

بررسی رابطه‌ی سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی، فناوری‌های نوین، دل‌بستگی و
جنسیت با گرایش به تخریب‌گری
(مورد مطالعه: دانش‌آموزان دبیرستانی استان کرمان)

عنایت‌اله ریسی* بیژن خواجه‌نوری** محمدتقی ایمان*** مسعود حسینی‌چاری****
دانشگاه شیراز

چکیده

هدف از انجام این پژوهش بررسی رابطه‌ی سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی، فناوری‌های نوین، دل‌بستگی و جنسیت با گرایش به تخریب‌گری در دانش‌آموزان دبیرستانی می‌باشد. جامعه‌ی پژوهش شامل تمامی دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه استان کرمان بود. با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای تعداد ۸۰۶ نفر از دانش‌آموزان کرمانی (۴۰۴ نفر) و جیرفتی (۴۰۲ نفر) به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. با استفاده از ابزارهای محقق‌ساخته‌ی گرایش به تخریب‌گری، سرمایه‌ی فرهنگی، استفاده از فناوری‌های نوین و پرسش‌نامه‌ی استاندارد سبک دل‌بستگی والدین و هم‌سالان، داده‌ها گردآوری شد. تحلیل داده‌ها نشان داد که صرفاً دو متغیر استفاده از فناوری‌های نوین ارتباطی به‌صورت مثبت و دل‌بستگی به والدین به‌صورت منفی، مستقیماً بر گرایش دانش‌آموزان اثر می‌گذارد. هم‌چنین، تمام متغیرهای برون‌زاد (سرمایه‌ی فرهنگی، فناوری‌های نوین، دل‌بستگی و جنسیت) با واسطه‌ی تأثیر بر سرمایه‌ی اجتماعی می‌توانند بر گرایش به تخریب‌گری تأثیر بگذارند. دیگر نتایج نیز بیان‌گر اثر تعدیل‌گر زیست‌بوم اجتماعی و تفاوت بین مدل‌های برآمده از دو شهر کرمان و جیرفت بود. در ادامه با توجه به مبانی نظری و تحقیقات پیشین، یافته‌ها به بحث گذاشته می‌شوند.

واژه‌های کلیدی: تخریب‌گری، سرمایه‌ی فرهنگی، سرمایه‌ی اجتماعی، دل‌بستگی، فناوری‌های نوین

* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز (نویسنده مسؤل) Raeesi2020@yahoo.com

** دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز bkhajeh@gmail.com

*** استاد جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز iman@shirazu.ac.ir

**** دانشیار روان‌شناسی تربیتی دانشگاه شیراز hchari@shirazu.ac.ir

مقدمه

جوامع امروز با مشکلات و معضلات اجتماعی متعددی دست به‌گیرانند که برخی از آن‌ها به‌صورت کج‌رفتاری یا رفتارهای انحرافی نمایان می‌شود. تخریب‌گری^۱ از جمله این رفتارهای اجتماعی انحرافی است که وقوع آن در حال افزایش است. تخریب‌گری از سوی محققان و صاحب‌نظران حوزه‌ی انحرافات و آسیب‌های اجتماعی، به‌عنوان رفتارهای معطوف به تخریب و خرابکاری اموال، تأسیسات و متعلقات عمومی تعریف شده است (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳؛ سازمان امور قضایی آمریکا^۲، ۲۰۱۴). مرتکبان تخریب‌گری عمدتاً نوجوانان هستند و از این حیث، این پدیده را می‌توان نوعی بزهکاری نیز به‌حساب آورد (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳). تخریب‌گری در بافت‌های مختلفی ممکن است اتفاق بیفتد. محیط‌های شهری، پارک‌ها، کتابخانه‌ها، مدارس و ورزشگاه‌ها، همواره جولانگاه افراد تخریب‌گر بوده است. مدارس نیز همیشه در معرض آسیب عمده‌ی افراد تخریب‌گر قرار می‌گیرند. قسمت عمده‌ای از این آسیب‌ها توسط دانش‌آموزان صورت می‌گیرد. دامنه‌ی تخریب‌گری به‌جز اموالی مانند در، دیوار، میز و صندلی مدرسه، به تخریب اموال بیرون از محیط آموزشی نیز وسعت می‌یابد. این معضل، علاوه بر هزینه‌های کلانی که صرف جبران آن می‌شود، موجب ناراحتی روانی مردم و مسئولان نیز شده و انسجام اجتماعی را با تهدید مواجه می‌سازد (مارت^۳، ۲۰۰۸). در مجموع می‌توان گفت که تخریب‌گری و ایجاد خسارت از طرف کودکان و نوجوانان، امروز به‌صورت یک مسأله‌ی حاد اجتماعی درآمده است (روشن‌پور، ۱۳۸۸). بسیاری از متخصصان علوم اجتماعی معتقدند که تخریب اموال، مقدمه‌ای برای رفتار بزهکارانه است و از این جهت، پدیده‌ی تخریب‌گری اهمیت بیش‌تری پیدا می‌کند (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳). وقوع و تکرار این پدیده می‌تواند در نظم عمومی اختلال ایجاد کند و خسارت‌های فراوانی را برای جامعه به‌بار آورد (مطلق و ندری، ۱۳۹۲). تخریب‌گری پدیده‌ای رایج در جهان است و طبق آمار منتشرشده از بعضی سازمان‌های رسمی در کشورهایمانند ایالات متحده، فنلاند و بریتانیا میزان این رفتار بین ۷ تا ۱۷ درصد گزارش شده است (اروستی^۴ و همکاران، ۲۰۱۲) و البته در بین نوجوانان نیز بسیار شایع است (کونانی، منصورآبادی و احمدی، ۱۳۹۱). بر این اساس، ضرورت دارد که عوامل مؤثر بر بروز این‌گونه رفتارها شناسایی شود.

طی چند دهه‌ی اخیر، جامعه‌شناسان و روان‌شناسان تلاش کرده‌اند که به تبیین تخریب‌گری و شناسایی علل وقوع آن در حوزه‌های مختلف بپردازند. درباره‌ی تخریب‌گری، مهم‌ترین

1- Vandalism
2- U.S. Department of Justice

3- Marte
4- Ervasti

چارچوب‌های نظری که تاکنون استفاده شده‌اند شامل نظریه‌ی آنومی^۱ اجتماعی دورکیم، نظریه‌ی آنومی مبتنی بر «ساخت اجتماعی» رابرت مرتن^۲، نظریه‌ی فرصت‌های نامشروع افتراقی کلوارد و اوهلین^۳، نظریه‌ی آنومی خانواده ویلیام گود^۴، نظریه‌ی کنترل اجتماعی^۵ هیرشی^۶، نظریه‌ی هم‌نشینی افتراقی^۷ ادوین ساترلند^۸، نظریه‌های بیگانگی فلکس^۹، نظریه‌ی فشار عمومی^{۱۰} آگینو^{۱۱}، نظریه‌ی بوم‌شناختی ساچار^{۱۲}، نظریه‌های برچسب‌زنی، خرده‌فرهنگ و انتقال فرهنگی است (برای نمونه در تحقیقات سهامی و احمدی، ۱۳۷۹؛ میرفردی، احمدی و نیکخواه، ۱۳۹۱؛ مطلق و ندری، ۱۳۹۲؛ از برخی نظریه‌ها بهره‌گرفته شده است).

با نگاه به نظریه‌های پیش‌گفته، می‌توان نتیجه گرفت که این نظریه‌ها برای تبیین انحرافات و به‌ویژه تخریب‌گری، به موضوعات مشترکی - البته با تعابیری نسبتاً متفاوت - مثل تأثیر پیوندهای اجتماعی، جامعه‌پذیری، وجود انسجام و یگانگی با جامعه، اعتماد اجتماعی، کیفیت تعاملات در شبکه‌های اجتماعی، مسئولیت‌پذیری و رعایت هنجارهای اجتماعی توجه دارند. این نقاط مشترک، لزوم استفاده از دیدگاه یا نظریه‌ای جامع و در عین حال مشترک برای بررسی انحرافات اجتماعی را نمایان می‌سازد. خوشبختانه در سال‌های اخیر، نظریه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی^{۱۳} از طریق یکپارچه ساختن نظریه‌های جرم‌شناختی، دیدگاهی وسیع و جامع را جهت انجام مطالعات جرم‌شناختی فراهم آورده است (مک‌کارتی، هاگان، و مارتین^{۱۴}، ۲۰۰۲؛ هاگان و مک‌کارتی، ۱۹۹۷). به‌نحوی که باعث ایجاد دید عمیق‌تر و درک بهتر از علل جرم و بزهکاری می‌شود (سلمی و کیویوری^{۱۵}، ۲۰۰۶: ۱۲۵). قابلیت تبیینی مناسب و کلیدی بودن مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی باعث شده که امروزه این نظریه در ادبیات علمی جامعه‌شناختی جایگاه ویژه‌ای پیدا کند (آدلر و کون^{۱۶}، ۲۰۰۲). البته کاربرد مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی در حوزه‌های مختلف معانی بسیار متفاوتی به خود گرفته در تعریف آن اختلاف نظرهایی نیز بروز کرده است (لای، پیکز و سویج^{۱۷}، ۲۰۰۳). بوردیو (۱۳۸۹) از پیش‌گامان طرح نظریه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی، این مفهوم را به‌عنوان مجموعه‌ای از منابع واقعی یا بالقوه تعریف می‌کند که در روابط میان بازیگران یا عاملان اجتماعی آشنایی متقابل در یک گروه، جای گرفته است. این مفهوم، هم‌چنین به شبکه‌ها، هنجارها و ادراکاتی اشاره دارد که فعالیت‌های همکارانه در درون و بین گروه‌های افراد را تسهیل می‌کند (هلاپول^{۱۸}، ۲۰۰۱: ۴۳). سرمایه‌ی اجتماعی یک هنجار غیررسمی

1- Social Anomie
2- Robert Merton
3- Kluvard & Ohlin
4- William Goode
5- Social control theory
6- Hirschi
7- differential Companion
8- Sutherland
9- Felex

10- general strain
11- Agnew
12- Suchar
13- social capital
14- McCarthy, Hagan & Martin
15- Salmi & Kivivuori
16- Adler & Kwon
17- Li, Picks & Savage
18- Helliwell

مبتنی بر شواهد است که همکاری بین دو یا چند فرد را افزایش می‌دهد (فوکویاما، ۱۳۸۵: ۱۱). از نظر کلمن^۱ (۱۹۸۸) نیز ایده‌ی بنیادی نهفته در پشت سرمایه‌ی اجتماعی این است که یک فرد می‌تواند از طریق انباشتن روابط با دیگر افراد ارزش‌هایی را به‌دست آورد. به‌عبارتی وقتی که افراد به‌هنگام نیاز، دسترسی بیش‌تری به منابع حمایتی داشته باشند، گفته می‌شود که این افراد سرمایه‌ی اجتماعی بیش‌تری دارند (پاکستون^۲، ۱۹۹۹؛ یانگ^۳ و فارن^۳، ۲۰۰۹). این مفهوم در هشت عنصر اساسی شامل مشارکت در اجتماعات محلی، کنش‌گرایی در یک موقعیت اجتماعی، احساس اعتماد و امنیت، پیوندهای همسایگی، پیوندهای دولتی و خانوادگی، ظرفیت پذیرش تفاوت‌ها، بها دادن به زندگی و پیوندهای کاری خلاصه شده است (شریفیان ثانی و ملکی سعید آبادی، ۱۳۸۵).

همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، سرمایه‌ی اجتماعی، چارچوبی را برای شناخت و درک علل انحرافات اجتماعی در اختیار پژوهشگران قرار داده است. برای نمونه رایت، کولن، فرانسیس و میلر^۴ (۲۰۰۱) دریافتند که سرمایه‌ی اجتماعی در طول زمان، میزان بزهکاری را کاهش می‌دهد. سلمی و کیویوری (۲۰۰۶) نیز نشان دادند که پایین بودن اعتماد بین اشخاص با رفتار بزهکارانه هم‌بستگی دارد. بر طبق یافته‌های بوث، فارل و وارنو^۵ (۲۰۰۸) پیوندهای محکم اجتماعی مانع انحراف می‌شوند. البته یافته‌هایی نیز وجود دارد (برای نمونه اسپایج و رامون^۶، ۲۰۰۶) که متغیرهایی مثل احساس هم‌بستگی و تعلق، در دیگر عرصه‌ها کارکرد منفی پیدا می‌کنند و اوباش‌گری و رفتارهای تخریبی در ورزش را موجب می‌شوند. گزارش شده است که کمبود سرمایه‌ی اجتماعی باعث بروز رفتارهای ضد اجتماعی یا گرایش به این‌گونه رفتارها در دانش‌آموزان می‌شود (برای نمونه بایس^۷، ۱۹۹۷ به نقل از گاتی و ترمبلی^۸، ۲۰۰۷؛ واینو^۹ و همکاران، ۲۰۱۰). به‌طور مشابه برخی پژوهش‌ها (مثلاً رایت و فیتزپاتریک^{۱۰}، ۲۰۰۶؛ گلچین و حیدری، ۱۳۹۱) نیز نشان داده‌اند که سطح بالای سرمایه‌ی اجتماعی و مؤلفه‌های آن با کاهش رفتارهای خشونت‌آمیز و پرخاشگرانه در نوجوانان همراه است. کاواچای، کندی، لوچنر و پروترووی - استیت^{۱۱} (۱۹۹۷) نیز روشن ساختند که سطح سرمایه‌ی اجتماعی با میزان جرایم خشونت‌آمیز، هم‌بستگی منفی دارد. یافته‌های چلبی و مبارکی (۱۳۸۴) مشخص کرد که در دو سطح کلان و خرد بین سرمایه‌ی اجتماعی و جرم رابطه‌ی منفی وجود دارد. مداح و شریفی (۱۳۸۹) نیز با تأکید بر سه شاخص معرف سرمایه‌ی اجتماعی شامل اعتماد، هنجار و انسجام اجتماعی به این نتیجه رسیدند که بین میزان سرمایه‌ی اجتماعی و دفعات

1- Coleman

2- Paxton

3- Yang & Farn

4- Wright, Cullen, Francis & Miller

5- Booth, Farrell and Varano

6- Spaj & Ramon

7- Butyisse

8- Gatti & Tremblay

9- Vieno

10- Wright & Fitzpatrick

11- Kavachi, Kennedy, Lochner & Prothro-stith

ارتکاب جرم رابطه‌ی معکوسی برقرار است. هم‌چنین مشخص شده است که جامعه‌پذیری پیش‌بینی کننده‌ی منفی (گلاستون^۱، ۱۹۹۸؛ نواح و کوپایی، ۱۳۹۱؛ میرفردی و همکاران، ۱۳۹۱) و بیگانگی اجتماعی پیش‌بینی کننده‌ی مثبت (محمدی بلبان آباد، ۱۳۸۴؛ قائمی‌فر، ۱۳۸۶؛ حیدری و پارسامهر، ۱۳۹۱؛ یارمحمد توسکی و کاروان، ۱۳۹۱) گرایش به تخریب‌گری است. متغیرهایی که بیان‌گر انسجام اجتماعی هستند، با گرایش به تخریب‌گری رابطه‌ی منفی (سهامی و احمدی، ۱۳۷۹؛ فتاحی، ۱۳۸۸) و متغیرهایی که به نوعی بیان‌گر گسست افراد از اجتماع هستند، با این متغیر رابطه‌ی مثبت دارند (رمضانی، ۱۳۷۵؛ محمدی بلبان آباد، ۱۳۸۴؛ عادل‌راد، ۱۳۸۷؛ مطلق و ندری، ۱۳۹۲). افشانی و جواهرچیان (۱۳۹۳) نشان دادند که بین مؤلفه‌های چهارگانه پیوند اجتماعی (تعهد، دل‌بستگی، مشارکت و اعتقاد) و تخریب‌گری رابطه‌ی معکوس وجود دارد. تحقیق خاکی نهاد (۱۳۹۰) همراهی بالا بودن سطح سرمایه‌ی اجتماعی در دانش‌آموزان راهنمایی با کاهش تخریب اموال عمومی را نشان داد. رفیعی دارانی، پارساپور، دانایی سیج و زارعی (۱۳۹۳) نشان دادند که افزایش ۱۰ درصدی سرمایه‌ی اجتماعی با کاهش ۱/۲ درصدی تخریب وسایل و امکانات توسط شهروندان همراه بوده است.

در نظریه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی، این پیش‌فرض اساسی وجود دارد که این نوع سرمایه حاصل تعاملات اجتماعی است و از طریق روابط بین افراد و گروه‌ها ساخته می‌شود (کیلپاتریک، جونز و مالفورد^۲، ۲۰۱۰). باید توجه داشت که روابط اجتماعی در بافت‌های متفاوت، با افراد مختلف و با استفاده از ابزارهای متنوعی صورت می‌پذیرد. بر این اساس، تأیید شده است که بخش قابل توجهی از سرمایه‌ی اجتماعی در فضای خانواده یا از طریق روابط خانوادگی بنا نهاده می‌شود (لوری^۳، ۱۹۷۷ به نقل از مداح و شریفی، ۱۳۸۹). در پیشینه‌ی پژوهشی موجود، با بهره‌گیری از نظریه‌ی دل‌بستگی^۴ بالبی^۵، نقش هم‌زمان خانواده و پیوندهای عاطفی - اجتماعی عمیق در شکل‌گیری و دوام سرمایه‌ی اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است. نظریه‌ی دل‌بستگی بر تجارب عاطفی اولیه نوزادان با مراقبین اولیه‌شان (به‌ویژه مادر) متمرکز است و به میزان، چگونگی و نوع پیوندهای عاطفی اشاره دارد که در این دوران بر اثر تکرار تعاملات با مراقبان اولیه (مظاهر دل‌بستگی) به وجود می‌آید (ویلکینسون^۶، ۲۰۰۴). اگر در تعاملات اولیه، مظاهر دل‌بستگی به نیازهای کودک به‌صورتی دائمی و باثبات پاسخ دهند، یک دل‌بستگی ایمن شکل می‌گیرد به‌نحوی که فرد خود را شایسته‌ی مراقبت و دیگران را افرادی در دسترس و قابل اعتماد در ذهن بازنمایی می‌کند (بریترتون، ریدگوا و کاسیدی^۷، ۱۹۹۰). اما اگر نیازهای نوزاد نادیده گرفته شود یا مراقب اصلی پاسخ‌های ناهمسانی را فراهم کند، تدریجاً

1- Gladstone

2- Kilpatrick, Johns & Mulford

3- Loury

4- Attachment theory

5- Bowlby

6- Wilkinson

7- Bretherton, Ridgeway & Cassidy

در نوزاد یک دل‌بستگی نایمن شکل می‌گیرد که توأم با اجتناب و یا اضطراب نسبت به مظهر دل‌بستگی خواهد بود (رویتر و ون‌ایجنزندرون^۱، ۱۹۹۲). در این صورت، کودک خود را فردی نامحبوب بازنمایی می‌کند که ترس طردشدن از سوی دیگران، سبب می‌شود تا از برقراری روابط صمیمانه با دیگران گریزان باشد (میکولینسر و شیور^۲، ۲۰۰۷؛ کییفر، لاندائو، روتشیلد و سالیوان^۳، ۲۰۱۲). الگوهای دل‌بستگی به دوره‌ی نوباوگی محدود نمی‌شوند. هم‌چنین، مظاهر دل‌بستگی ممکن است به دیگر مظاهر دل‌بستگی جابه‌جا شوند و به افرادی غیر از مراقبان اولیه نیز انتقال یابد. در دوره‌ی نوجوانی، هم‌سالان می‌توانند چنین نقشی را برای فرد ایفا کنند (هوو^۴ و همکاران، ۲۰۱۲). دل‌بستگی به هم‌سالان وجه مهمی از دل‌بستگی است که به‌صورت حمایت و مراقبت از هم‌سالان، نوجوانان را به مواجهه‌ی بهتر با چالش‌ها ترغیب می‌کند.

نقش نظریه‌ی دل‌بستگی در تبیین بزهکاری، یکی دیگر از نقاط قوت این نظریه است. به‌نحوی که در نظریه‌ی بالبی فرض می‌شود که بریدگی فیزیکی از والدین مستقیماً با بزهکاری یا حتی رفتار مجرمانه بعدی در زندگی مرتبط است (سوئرز، تایر و دولموس^۵، ۲۰۰۸). در این رابطه نتایج فراتحلیل‌های به‌عمل آمده (نظیر ون‌ایجنزندرون، اسچونگل و باکرمنز-کرونبرگ^۶، ۱۹۹۹؛ فیرون^۷ و همکاران، ۲۰۱۰؛ و هوو و همکاران، ۲۰۱۲) نیز حاکی از آن است که نایمنی در دل‌بستگی به والدین و هم‌سالان با رفتارهای برون نمود مسأله‌آفرینی^۸ چون بزهکاری و پرخاشگری تداعی می‌شود. اخیراً پژوهش‌ها (برای نمونه لی^۹، ۲۰۱۳؛ و لین^{۱۰}، ۲۰۱۵) روشن ساخته‌اند که دل‌بستگی ایمن می‌تواند سطح بالایی از انواع سرمایه‌های اجتماعی را در محیط‌های مجازی پیش‌بینی کنند و گونه‌های نایمن دل‌بستگی رابطه منفی با انواع سرمایه‌ی اجتماعی دارند.

یاری و حسینی (۱۳۹۳) در بررسی ارتباط عملکرد خانواده با رفتارهای تخریبی دانش‌آموزان دریافتند که بین میزان ابراز عواطف در خانواده با بروز رفتارهای تخریبی ارتباط معکوس وجود دارد. برخی محققان (برای نمونه سهامی و احمدی، ۱۳۷۹؛ فتاحی، ۱۳۸۸؛ افشانی و جواهریان، ۱۳۹۳) نیز در چارچوب نظریه‌ی هیرشی، نشان داده‌اند که افزایش سطح دل‌بستگی با کاهش رفتارهای تخریبی همراه است. نتایج پژوهش محسنی‌تبریزی (۱۳۷۹) آشکار کرد که نوجوانان و جوانان تخریب‌گر از نظر ساخت خانواده، سرپرستی عاطفی و تجارب نخستین دوره‌ی کودکی، به‌گونه‌ای منفی، با هم‌تایان عادی خود متفاوت هستند. در مواردی نیز مشخص شده است ساخت خانوادگی نابسامان، وجود اختلاف بین والدین و جدایی والدین از عوامل مهم مرتبط با تخریب‌گری نوجوانان است (برای

1- Ruiter & Van IJzendoorn

2- Mikulincer & Shaver

3- Keefer, Landau, Rothschild & Sullivan

4- Hoeve

5- Sowers, Thyer & Dulmus

6- Schuengel, & Bakermans-Kranenburg

7- Fearon

8- externalizing problem behavior

9- Lee

10- Lin

نمونه لونسیتین^۱، ۱۹۸۶؛ عفتی، ۱۳۸۱؛ محمدی بلبلان، ۱۳۸۴؛ نبوی، ملتفت و براتیان، ۱۳۹۰؛ مطلق و ندری، ۱۳۹۲). در دیگر پژوهش‌ها (برای نمونه نیک‌اختر، ۱۳۷۸؛ عادل‌راد، ۱۳۸۷؛ نبوی و همکاران، ۱۳۹۰) نیز نقش معاشرت و دل‌بستگی به دوستان و هم‌سالان در بروز رفتارهای تخریبی آشکار شده است. ترس از طرد شدن از گروه هم‌سالان یکی از دلایل ارتکاب رفتارهای تخریبی در بین نوجوانان است (رمضانی، ۱۳۷۵).

پیش‌تر گفته شد که ابزارهای مورد استفاده برای برقراری ارتباط نیز می‌توانند نقش مهمی در انباشت سرمایه‌ی اجتماعی داشته باشند. اهمیت فناوری‌های ارتباطی به‌حدی است که ادعا شده است شبکه‌ی اجتماعی مجازی می‌تواند سکوی پرتاب برای ارتقای مهارت‌های ارتباطی ضعیف و نیز روابط بسیار نزدیک فراهم سازد (الیسون، استینفیلد، و لامپی^۲، ۲۰۰۷). البته فناوری‌های نوین به دلیل خاصیت سرگرم‌کنندگی، احتمال دارد که مانع انباشت سرمایه‌ی اجتماعی نیز شوند. از طرفی باید اضافه کرد که نقش برخی ابزارهای ارتباطی در وقوع رفتارهای بزهکارانه و به‌طور خاص تخریب‌گری نیز مورد تأیید قرار گرفته است (برای نمونه براون و دولوین^۳، ۲۰۰۳؛ تتبام، استوارت و سینگر^۴، ۱۹۹۷؛ قاسمی، ذوالاکتاف و نورعلیوند، ۱۳۸۸). در مقابل، بهرامی مهنه (۱۳۸۳) نیز گزارش کرد که میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی بر گرایش به تخریب‌گری اثر کاهنده دارد، اما اثر معناداری روی رفتارهای تخریب‌گرانه ندارد. نواح و کوپایی (۱۳۹۱) نیز بر آنند که بین میزان استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی و تخریب‌گری رابطه‌ی معناداری وجود ندارد.

در ارتباط با تخریب‌گری و سرمایه‌ی اجتماعی، نمی‌توان از نقش فرهنگ و ساختارهای فرهنگی غافل شد. بورديو با طرح مفهوم سرمایه‌ی فرهنگی، تمرکز و انباشت انواع مختلف کالاهای ملموس فرهنگی و نیز قدرت و توانایی در اختیار گرفتن این کالاها و همچنین استعداد و ظرفیت فرد در شناخت و کاربرد این وسایل را از دلالت‌های آن می‌داند (روحانی، ۱۳۹۰). سرمایه‌ی فرهنگی می‌تواند نقشی بنیادی در شکل‌گیری شخصیت و سبک زندگی افراد ایفا کند (جوانمرد و ساسان، ۱۳۸۹). سرمایه‌ی فرهنگی می‌تواند نوع و ماهیت هویت فردی، خانوادگی و اجتماعی افراد را رقم بزند (شارع‌پور و خوش‌فر، ۱۳۸۱؛ نیازی و کارکنان، ۱۳۸۶؛ فخرایی و کریمیان، ۱۳۸۸؛ خواجه نوری، پرنیان و همت، ۱۳۹۳) و در تبیین پدیده‌های فرهنگی - اجتماعی نظیر الگوی روابط بین همسران (سفیری، آراسته و موسوی، ۱۳۸۹) و گرایش جوانان به مد، بینش‌های تازه‌ای را پیش روی محققان قرار دهد (قادری و رضایی، ۱۳۹۱). در زمینه‌ی ناهنجاری‌ها و انحرافات اجتماعی نیز شماری از تحقیقات (مثلاً کوراکیز^۵، ۲۰۰۴؛ جهانفر، ۱۳۸۱؛ سعادت‌ی، عباس‌زاده و حاتمی، ۱۳۹۲) نشان

1- Lowenstein

2- Ellison, Steinfield & Lampe

3- Brown & Devlin

4- Tenenbaum, Stewart & Singer

5- Courakis

داده‌اند که سرمایه‌های فرهنگی با وقوع رفتارهای پرخاشگرانه و خشن در بین تماشاگران مسابقات ورزشی رابطه منفی دارد. مطلق و ندروی (۱۳۹۲) دریافتند که فقر فرهنگی یکی از عوامل تعیین‌کننده‌ی تخریب‌گری است. شواهدی نیز وجود دارند که نشان داده‌اند نحوه‌ی گذراندن اوقات فراغت - به‌عنوان شاخصی از سرمایه‌ی فرهنگی - ارتباط معناداری با بروز رفتارهای تخریب‌گرانه در نوجوانان دارد (سامر^۱ ۱۹۹۱؛ نیک‌اختر، ۱۳۷۸؛ شکریگی و محمدی‌راد، ۱۳۸۷). البته مطلق و ندروی (۱۳۹۲) رابطه‌ای بین اوقات فراغت و تخریب‌گری نیافتند.

برآیند نتایج پژوهش‌ها در تبیین تخریب‌گری بر حسب جنسیت، نشان می‌دهد که اکثر تخریب‌گرها مذکر هستند (ویسانیان، ۱۳۹۱؛ محسنی تبریزی، ۱۳۷۹؛ سهامی و احمدی، ۱۳۷۹؛ محمدی بلبلان‌آباد، ۱۳۸۴، نبوی، ملتفت و براتیان، ۱۳۹۰؛ نواح و کوپایی، ۱۳۹۱؛ حیدری و پارسامهر، ۱۳۹۱). با این حال، یافته‌های میرفردی و همکاران (۱۳۹۱) رابطه‌ی معناداری را بین این دو متغیر نشان نداد. البته افراد مذکر در مقایسه با افراد مؤنث از سرمایه‌ی اجتماعی بیش‌تری برخوردارند (سفیری و صدفی، ۱۳۹۱).

پدیده‌های اجتماعی را نمی‌توان از موقعیت مکانی و ساختاری که در آن قرار گرفته‌اند جدا ساخت؛ نکته‌ای که باید در بررسی تخریب‌گری باید به آن توجه داشت. در نظریه‌ی بوم‌شناختی، عقیده بر این است که زیست‌بومی که افراد یک جامعه در آن زندگی می‌کنند، تأثیرات عمیقی بر الگوهای فرهنگی - اجتماعی و رفتارهای ساکنان دارد. مثلاً تخریب‌گری در شهرها بیش‌تر از روستاها اتفاق می‌افتد (شربتیان و پرورش، ۱۳۹۲).

در گرایش به تخریب‌گری و بروز رفتارهای تخریبی در بین دانش‌آموزان، عوامل متعدد و درهم‌تنیده‌ای نقش دارد. شناسایی نقش این عوامل اگرچه مهم بوده است، اما آن‌چنان پراکنده است که نمی‌توان به فهم جامعی دست یافت. به‌نظر می‌رسد ارائه‌ی یک مدل علی جامع و کاربردی برای تبیین تخریب‌گری، راه‌گشا دانسته شده است. با توجه به پیشینه‌ی موجود و خلاء نظری، هدف پژوهش حاضر بررسی امکان تبیین تخریب‌گری از طریق سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی، جنسیت، دل‌بستگی‌های عاطفی و فناوری‌های نوین بود. هدف دیگر، مقایسه‌ی مدل تبیینی تخریب‌گری در دو زیست‌بوم متفاوت کرمان و جیرفت بود. در مدل مفهومی پژوهش حاضر فرضیه‌های زیر آزمون شدند:

۱. جنسیت با گرایش به تخریب‌گری رابطه دارد.
۲. دل‌بستگی به والدین با گرایش به تخریب‌گری رابطه دارد.
۳. دل‌بستگی به هم‌سالان با گرایش به تخریب‌گری رابطه دارد.

۴. سرمایه‌ی فرهنگی با گرایش به تخریب‌گری رابطه دارد.
۵. استفاده از فناوری‌های نوین ارتباطی با گرایش به تخریب‌گری رابطه دارد.
۶. سرمایه‌ی اجتماعی رابطه‌ی بین جنسیت، دل‌بستگی، سرمایه‌ی فرهنگی و استفاده از فناوری‌های ارتباطی نوین با تخریب‌گری را واسطه‌گری می‌کند.
۷. نوع زیست‌بوم شهری (کرمان در مقابل جیرفت)، نقش تعدیل‌گر در رابطه‌ی بین جنسیت، دل‌بستگی، سرمایه‌ی فرهنگی، استفاده از فناوری‌های ارتباطی نوین و سرمایه‌ی اجتماعی با تخریب‌گری را واسطه‌گری می‌کند.

روش پژوهش

شرکت‌کنندگان پژوهش

در این پژوهش از طریق یک طرح هم‌بستگی، روابط میان متغیرها در قالب تحلیل مسیرهای یک مدل علی مورد بررسی قرار گرفت. جامعه‌ی آماری پژوهش شامل تمامی دانش‌آموزان دبیرستانی کرمان و جیرفت بود. حجم نمونه‌ی لازم با استفاده از فرمول کوکران تعیین شد. بر این اساس تعداد ۸۰۶ دانش‌آموز دوره‌ی متوسطه (۴۰۴ در کرمان و ۴۰۲ در جیرفت) با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. ۴۰۱ نفر از افراد دختر و ۴۰۵ نفر پسر؛ با دامنه‌ی سنی بین ۱۴ تا ۲۰ سال بودند.

ابزارهای پژوهش

ابزارهای استفاده شده جهت جمع‌آوری اطلاعات شامل پرسش‌نامه‌های محقق‌ساخته‌ی گرایش به تخریب‌گری، سرمایه‌ی اجتماعی، سرمایه‌ی فرهنگی، فناوری‌های ارتباطی و نسخه‌ی تجدیدنظر شده‌ی سیاهه‌ی دل‌بستگی والد و هم‌سال^۱ آرمسدن و گرینبرگ^۲ (۱۹۸۷) بود. شایان یادآوری است که ویژگی‌های روان‌سنجی ابزارهای مذکور، طی یک پژوهش مقدماتی بر روی یک گروه ۲۴۶ نفری بررسی شد. در ادامه به معرفی مختصر ابزارها مبادرت شده است.

۱- پرسش‌نامه‌ی گرایش به تخریب‌گری: پرسش‌نامه‌ی تخریب‌گری مشتمل بر ۲۳ عبارت حاوی رفتارهای تخریبی می‌باشد که ممکن است در دو محیط مدرسه و خارج از مدرسه صورت پذیرد. پاسخ‌گویان بر اساس یک طیف لیکرت ۵ درجه‌ای از صفر (اصلاً) تا ۳ (بیش از سه بار) گزارش می‌دهند که هر یک از این رفتارهای تخریب‌گرانه را در طول سال چند بار مرتکب شده‌اند. در پژوهش حاضر به منظور سنجش اعتبار از روش تحلیل عاملی اکتشافی به روش مؤلفه‌های اصلی

1- Inventory of Parent and Peer Attachment (IPPA)

2- Armsden and Greenberg

استفاده شد. مقدار ضریب KMO برابر با $0/93$ و معناداری ضریب کرویت بارتلت برابر با $7965/19$ نشان‌گر کفایت نمونه‌گیری انجام شده بود. نتایج حاصل، مؤید وجود ۲ عامل بود که تخریب‌گری درون مدرسه‌ای و برون‌مدرسه‌ای را بازنمایی می‌کردند.

۲- پرسش‌نامه‌ی سرمایه‌ی فرهنگی: این پرسش‌نامه متشکل از ۹ عبارت است که سرمایه‌ی فرهنگی تجسم‌یافته‌ی دانش‌آموزان را با عبارتی که دربرگیرنده‌ی میزان استفاده و مهارت دانش‌آموزان در بهره‌گیری از سرمایه‌های عینی است را می‌سنجد. نمره‌گذاری این پرسش‌نامه نیز برای تمام عبارات بر روی یک طیف لیکرت ۵ درجه‌ای (اصلاً=۱، کم=۲، متوسط=۳، زیاد=۴ و خیلی زیاد=۵) می‌باشد. سنجش اعتبار این پرسش‌نامه از طریق تحلیل عاملی اکتشافی به روش مؤلفه‌های اصلی صورت گرفت که با استفاده از دو معیار نمودار اسکری و ارزش ویژه‌ی بالاتر از ۱، یک عامل کلی برای این پرسش‌نامه شناسایی شد.

۳- پرسش‌نامه‌ی استفاده از فناوری‌های نوین: این پرسش‌نامه میزان و نحوه‌ی استفاده از ابزارهای ارتباطی را ارزیابی می‌کرد و شامل مواردی مثل استفاده از اینترنت و حضور در شبکه‌های مجازی، استفاده از رسانه‌های صوتی - تصویری و همذات‌پنداری با الگوهای ارائه شده در این فناوری‌های ارتباطی می‌شد. پاسخ‌گویی به عبارت این پرسش‌نامه نیز بر پایه‌ی یک طیف لیکرت از ۱ (اصلاً) تا ۵ (خیلی زیاد) قرار داشت. در تحلیل عاملی اکتشافی، ضریب KMO برابر با $0/82$ و معناداری ضریب کرویت بارتلت برابر با $2877/84$ بیان‌گر کفایت نمونه‌گیری انجام شده بود. نتایج نشان داد که با اندکی سخت‌گیری (معیار ارزش ویژه برابر با $1/4$)، یک عامل کلی برای این پرسش‌نامه استخراج شد.

۴- پرسش‌نامه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی: این پرسش‌نامه، سرمایه‌ی اجتماعی دانش‌آموزان را در زمینه‌ی اعتماد، مهارت‌های اجتماعی، مسؤولیت‌پذیری (عینی و ذهنی) و مشارکت اجتماعی (عینی و ذهنی)، را اندازه‌گیری می‌کند. هر یک از بعد اعتماد شامل ۵ عبارت؛ مهارت‌های اجتماعی ۴ عبارت؛ مسؤولیت‌پذیری ۱۱ عبارت؛ و مشارکت اجتماعی ۱۱ عبارت بودند. نمره‌گذاری تمامی عبارات این پرسش‌نامه نیز بر اساس طیف لیکرت ۵ درجه‌ای از اصلاً تا خیلی زیاد قرار داشت. اعتبار این پرسش‌نامه برای سنجش سرمایه‌ی اجتماعی، از طریق روش تحلیل عاملی سطح بالاتر بررسی شد. در این تحلیل با استفاده از چرخش واریماکس و مبنا قرار دادن شیب منحنی اسکری و ارزش ویژه‌ی بالاتر از یک، در نهایت یک عامل کلی سرمایه‌ی اجتماعی شناسایی شد که به‌عنوان عامل زیربنایی تمامی عوامل دیگر شناسایی شد.

۵- نسخه‌ی تجدیدنظر شده‌ی سیاه‌ی دل‌بستگی والد و هم‌سال: این ابزار برای اندازه‌گیری

دل‌بستگی نوجوانان با مظاهر مهم دل‌بستگی از جمله والدین و هم‌سالان، تهیه شده است. این پرسش‌نامه مشتمل بر ۲۴ گویه است که ۱۲ گویه‌ی آن دل‌بستگی ادراک‌شده به والدین و ۱۲ گویه‌ی دیگر دل‌بستگی ادراک‌شده به هم‌سالان را می‌سنجد. پاسخ‌دهی به هر گویه بر اساس یک مقیاس پنج درجه‌ای طیف لیکرت از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم است. اعتبار و پایایی این پرسش‌نامه از سوی پژوهشگران متعددی تأیید شده است (برای نمونه آرمسدن، مک‌کالی، گرینبرگ، بورک و میشل^۱، ۱۹۹۰؛ لایبل^۲، ۲۰۰۷؛ و سلیمی و جوکار، ۱۳۹۱). در پژوهش حاضر نیز برای بررسی اعتبار این مقیاس از تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد. در این تحلیل تعدادی از گویه‌ها به دلیل بار عاملی کم حذف شدند. نتایج حاکی از آن بود که این پرسش‌نامه از اعتبار قابل قبولی برخوردار است. جدول ۱ شاخص‌های برازش پرسش‌نامه‌ی دل‌بستگی را نشان می‌دهد. پایایی پرسش‌نامه نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای دل‌بستگی به والدین و هم‌سالان به ترتیب برابر با ۰/۸۶ و ۰/۷۳ بود.

جدول ۱- شاخص‌های برازش در تحلیل عاملی پرسش‌نامه دل‌بستگی والدین و هم‌سالان

شاخص‌ها	GFI	AGFI	NFI	CFI	RMSEA
مقادیر	۰/۹۲	۰/۹۰	۰/۹۴	۰/۹۶	۰/۰۶

یافته‌ها

برای داشتن تصویری اولیه از روابط بین متغیرهای مورد بررسی در مدل پژوهش و اعتبار بخشیدن به تحلیل‌های بعدی، شاخص‌های توصیفی میانگین و انحراف معیار و همچنین هم‌بستگی دویه‌دو میان متغیرها محاسبه شد که نتایج آن در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲- میانگین، انحراف معیار و هم‌بستگی صفر مرتبه‌ی متغیرهای پژوهش

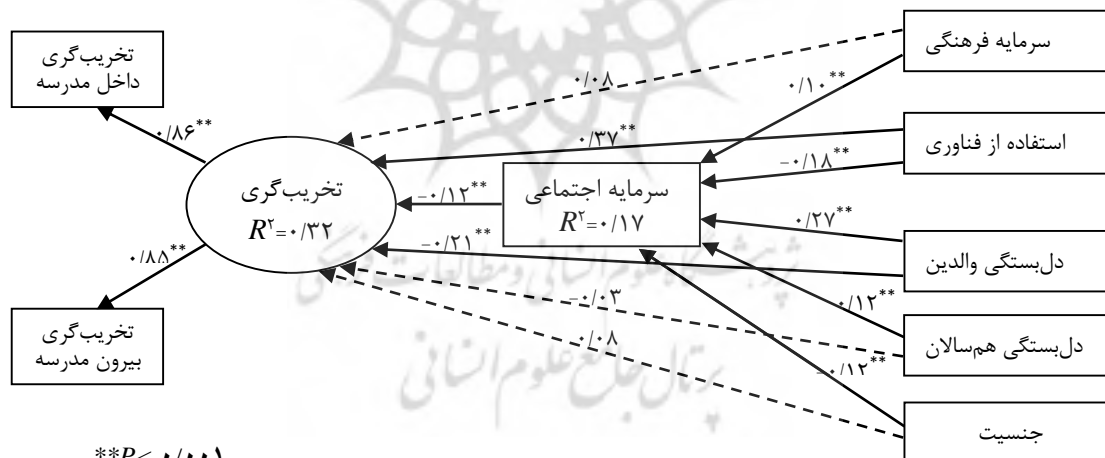
متغیرها	M	S.D	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱- سرمایه‌ی فرهنگی	۲۰/۲	۵/۷۷	—						
۲- استفاده از فناوری	۲۵/۹۶	۹/۰۱	۰/۵۶**	—					
۳- دل‌بستگی به والدین	۳۳/۷۹	۷/۶۱	-۰/۰۳	-۰/۱۵**	—				
۴- دل‌بستگی به هم‌سالان	۲۸/۷۹	۵/۸۲	-۰/۰۰۳	-۰/۰۵	۰/۳۰**	—			
۵- جنسیت ^۱	—	۰/۵۰	۰/۱۰**	۰/۲۲**	۰/۰۵	-۰/۰۸*	—		
۶- سرمایه‌ی اجتماعی	۹۶/۳۳	۱۵/۱۵	-۰/۰۲	-۰/۲۰**	۰/۳۲**	۰/۲۲**	-۰/۱۵**	—	
۷- تخریب‌گری مدرسه‌ای	۵/۲۶	۶/۲۷	۰/۲۵**	۰/۴۱**	-۰/۲۹**	-۰/۱۲**	۰/۱۳**	-۰/۲۵**	—
۸- تخریب‌گری برون مدرسه	۲/۸۴	۵/۳۶	۰/۲۸**	۰/۴۲**	-۰/۲۴**	-۰/۱۳**	۰/۱۹**	-۰/۲۲**	۰/۷۴**

** $P < 0.01$

* $P < 0.05$

۱- توجه: جنسیت متغیری کیفی است، میانگین ندارد؛ در سایر موارد با استفاده از کدگذاری تصنعی تحلیل شده است.

همان‌طور که در جدول ۲ آمده است، بین تمامی متغیرها و گرایش به تخریب‌گری رابطه وجود دارد. در مجموع، نتایج نشان می‌دهد که شرایط لازم برای آزمون فرضیه‌های (مدل) پژوهش وجود دارد. در ادامه، برای آزمون فرضیه‌های پژوهش که مسیرهای مستقیم و غیرمستقیم (واسطه‌ای) مفروض مدل پژوهش را تشکیل می‌دهند از روش معادلات ساختاری^۱ در نرم‌افزار AMOS استفاده شد. نتایج این تحلیل در دیاگرام شماره ۱ ارائه شده است.



** $P < 0.001$

دیاگرام ۱- نتایج آزمون مدل تأثیر جنسیت، دل‌بستگی و سرمایه‌ی اجتماعی و فرهنگی بر

گرایش به تخریب‌گری

همان‌گونه که در دیاگرام ۱ آمده است، در بررسی اثر مستقیم متغیرها بر گرایش به تخریب‌گری، نتایج بیان‌گر این است که از بین متغیرهای برون‌زاد، تنها دو متغیر استفاده از فناوری‌های نوین و

دل‌بستگی به والدین اثر مستقیم بر گرایش به تخریب‌گری دارند (خطوط منقطع، معنادار نبودن اثرات را بازنمایی می‌کند). بدین نحو که استفاده از فناوری‌های نوین به‌طور مستقیم و مثبت ($P < 0/001$)، $\beta = 0/37$ ، بر گرایش به تخریب‌گری تأثیر می‌گذارد. به‌بیان دیگر، این نتایج نشان‌گر آن است که هرچه استفاده از فناوری‌های نوین ارتباطی در میان دانش‌آموزان بیش‌تر باشد، گرایش به رفتارهای خرابکارانه در آنان بیش‌تر خواهد بود و بالعکس، هرچه استفاده از این فناوری‌ها کم‌تر باشد، گرایش به رفتارهای تخریبی در بین دانش‌آموزان کم‌تر خواهد شد. دل‌بستگی به والدین، به‌عنوان یک متغیر خانوادگی، نشان داده شد که اثر مستقیم منفی و معناداری ($\beta = -0/21, P < 0/001$)، بر گرایش به تخریب‌گری دارد. یعنی با افزایش دل‌بستگی فرزندان به والدین، از میزان گرایش آنان به رفتارهای تخریبی کاسته می‌شود و بالعکس با کاهش دل‌بستگی به والدین، میزان گرایش فرزندان به رفتارهای خرابکارانه افزایش پیدا می‌کند. دیگر نتایج نیز بیان‌گر این بود که متغیرهای سرمایه‌ی فرهنگی ($P = n.s$)، $\beta = 0/08$ ، دل‌بستگی به هم‌سالان ($\beta = -0/03, P = n.s$) و جنسیت ($\beta = 0/08, P = n.s$)، اثر مستقیم معناداری بر گرایش به تخریب‌گری ندارند. علاوه بر این، در بررسی اثر متغیر واسطه‌ای (سرمایه‌ی اجتماعی) بر گرایش به تخریب‌گری، ضریب حاصل مؤید اثر معنادار و مثبت ($P < 0/001$)، $\beta = 0/12$ ، این متغیر بر گرایش به تخریب‌گری بود. نتایج مربوط به تأثیر متغیرهای برون‌زاد بر سرمایه‌ی اجتماعی نیز حاکی از این است که تمامی متغیرهای برون‌زاد اثر معناداری بر این متغیر دارند. به‌نحوی که دل‌بستگی به والدین ($\beta = 0/27, P < 0/001$)، دل‌بستگی به هم‌سالان ($P < 0/001$)، $\beta = 0/12$ ، و سرمایه‌ی فرهنگی ($\beta = 0/10, P < 0/001$)، اثر مثبت و استفاده از فناوری‌های نوین ($\beta = -0/18, P < 0/001$)، و جنسیت ($\beta = -0/12, P < 0/001$)، بر سرمایه‌ی اجتماعی اثر منفی دارند. برای آزمون فرضیه‌ی ششم پژوهش، میزان و سهم اثر واسطه‌ای سرمایه‌ی اجتماعی (به‌عنوان متغیر واسطه‌ای) با کمک تکنیک خودگردان‌سازی^۱ در نرم‌افزار AMOS، محاسبه شد. نتایج این تحلیل در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳- اثر غیرمستقیم و کلی متغیرهای برون‌زاد بر گرایش به تخریب‌گری

متغیر برون‌زاد	اثر غیرمستقیم		اثر کل	
	β	P	β	P
سرمایه‌ی فرهنگی	-0/012	0/004	0/071	n.s
استفاده از فناوری	0/022	0/003	0/388	0/014
دل‌بستگی به والدین	-0/03	0/006	-0/24	0/009
دل‌بستگی به هم‌سالان	-0/015	0/001	-0/043	n.s
جنسیت	0/015	0/003	0/099	0/006

نتایج مندرج در جدول ۳ بیان‌گر این است که تمامی متغیرها به‌طور غیرمستقیم و با واسطه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی، سهم معناداری در گرایش دانش‌آموزان به تخریب‌گری دارند. در این میان سرمایه‌ی فرهنگی، دل‌بستگی به والدین، و دل‌بستگی به هم‌سالان اثر غیرمستقیم منفی بر گرایش به تخریب‌گری دارند. درحالی که استفاده از فناوری و جنسیت (پسر بودن) اثر غیرمستقیم مثبت بر تخریب‌گری دارند. لازم به ذکر است که دل‌بستگی به والدین با تأثیرگذاری بر سرمایه‌ی اجتماعی و متعاقب آن گرایش به تخریب‌گری، مهم‌ترین مسیر غیرمستقیم مدل بالا بود. لازم به ذکر است که در مجموع می‌توان گفت که مدل یادشده، ۳۲ درصد از واریانس گرایش به تخریب‌گری را تبیین می‌کند.

در ادامه شاخص‌های مربوط به برازش مدل فوق محاسبه شد که نتایج مبنی بر برزنده بودن این مدل در جدول ۴ آورده شده است.

جدول ۴- شاخص‌های برازش مربوط به مدل پژوهش برای کل مشارکت‌کنندگان

شاخص‌ها	GFI	AGFI	NFI	CFI	RMSEA
مقادیر	۰/۹۹	۰/۹۷	۰/۹۸	۰/۹۹	۰/۰۵

به‌منظور آزمون فرضیه‌ی هشتم پژوهش، مبنی بر نقش تعدیل‌گر زیست‌بوم شهری (کرمان در مقابل جیرفت) در نتایج مدل پژوهش، مدل مذکور برای مشارکت‌کنندگان کرمانی و جیرفتی مورد آزمون قرار گرفت. البته پیش از آزمون مدل، هم‌بستگی دومتغیری بین متغیرها برای دانش‌آموزان این دو زیست‌بوم محاسبه شد، که نتایج آن در جدول ۵ آمده است.

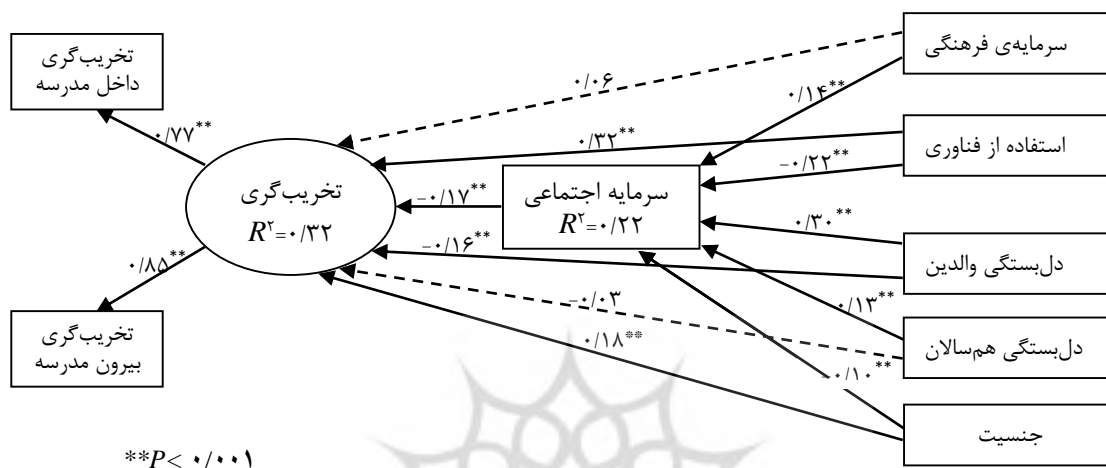
جدول ۵- میانگین، انحراف معیار و هم‌بستگی صفرمرتب متغیرهای پژوهش به تفکیک زیست‌بوم شهری (کرمان و جیرفت)

متغیرها	M	S.D	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۱- سرمایه‌ی فرهنگی	۲۱/۱ (۱۹/۳)	۵/۷ (۵/۷)	—	۰/۵۳**	۰/۰۴	۰/۱۰*	۰/۱۱*	۰/۰۹	۰/۱۵**	۰/۲۲**
۲- استفاده از فناوری	۲۸/۰۸ (۲۳/۸)	۸/۸ (۸/۷)	۰/۵۸**	—	-۰/۱۷**	۰/۰۲	۰/۲۶**	-۰/۱۸**	۰/۳۶**	۰/۳۹**
۳- دل‌بستگی به والدین	۳۳/۵ (۳۴/۱)	۷/۵ (۷/۷)	-۰/۰۸	-۰/۱۱*	—	۰/۳۰**	۰/۰۴	۰/۳۶**	-۰/۲۶**	-۰/۲۱**
۴- دل‌بستگی به هم‌سالان	۲۸/۷ (۲۸/۹)	۵/۷ (۵/۹)	-۰/۱۰	-۰/۱۲*	۰/۳۰**	—	-۰/۰۴	۰/۱۸**	-۰/۰۶	-۰/۱۱*
۵- جنسیت	—	۰/۵۱ (۰/۵)	۰/۱۰	۰/۱۹**	۰/۰۹	-۰/۱۰*	—	۰/۰۷	۰/۱۹**	۰/۲۷**
۶- سرمایه‌ی اجتماعی	۹۳/۷ (۹۹)	۱۴/۳ (۱۵/۶)	-۰/۰۰۷	-۰/۱۰*	۰/۲۶**	۰/۱۴**	-۰/۱۱*	—	-۰/۲۶**	-۰/۲۰**
۷- تخریب‌گری در مدرسه	۶/۲ (۴/۲۵)	۶/۱ (۶/۲۴)	۰/۳۱**	۰/۴۳**	-۰/۳۱**	-۰/۱۶**	۰/۰۶	-۰/۲۰**	—	۰/۶۴**
۸- تخریب‌گری برون مدرسه	۳/۳۱ (۲/۳۵)	۵/۲ (۵/۵۲)	۰/۳۲**	۰/۴۴**	-۰/۲۶**	-۰/۱۵**	۰/۱۲*	-۰/۱۴**	۰/۸۲**	—

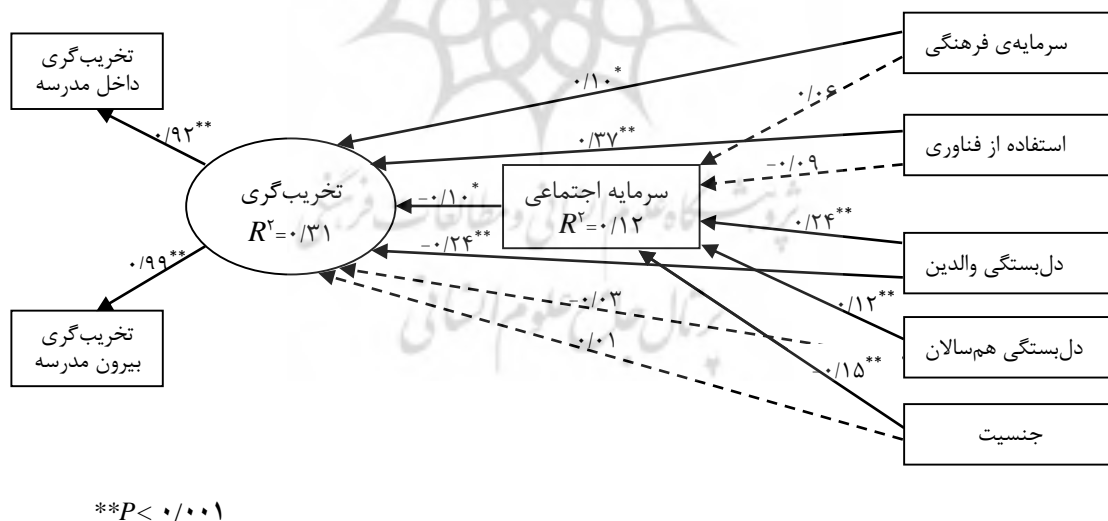
* توجه: مقادیر داخل پرانتز مربوط به دانش‌آموزان جیرفتی و بیرون پرانتز مربوط به دانش‌آموزان کرمانی است.
** $P < .05$

**ضرایب در قطر پایینی جدول مربوط به شهر جیرفت و در قطر بالایی جدول مربوط به شهر کرمان است.

همان‌طور که در جدول ۵ ملاحظه می‌شود، مقایسه ضرایب بین متغیرها به‌ویژه رابطه‌ی متغیرها با تخریب‌گری، بیان‌گر وجود تفاوت در ضرایب هم‌بستگی بین دو گروه مشارکت‌کننده‌ی کرمانی و جیرفتی می‌باشد. بر این اساس، در ادامه‌ی مدل پژوهش ابتدا برای دانش‌آموزان کرمانی (دیاگرام ۲) و سپس دانش‌آموزان جیرفتی (دیاگرام ۳) محاسبه می‌شود.



دیاگرام ۲- نتایج آزمون مدل تأثیر جنسیت، دل‌بستگی و سرمایه‌ی اجتماعی و فرهنگی بر گرایش به تخریب‌گری در دانش‌آموزان کرمانی



دیاگرام ۳- نتایج آزمون مدل تأثیر جنسیت، دل‌بستگی و سرمایه‌ی اجتماعی و فرهنگی بر گرایش به تخریب‌گری در دانش‌آموزان جیرفتی

مقایسه‌ی نتایج مندرج در دیاگرام‌های ۲ و ۳، بیان‌گر وجود برخی تفاوت‌ها در تبیین گرایش به تخریب‌گری است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود در دانش‌آموزان کرمانی، سرمایه‌ی فرهنگی تنها به طور غیرمستقیم و منفی، بر گرایش به تخریب‌گری تأثیر می‌گذارد. درحالی که در دانش‌آموزان جیرفتی، سرمایه‌ی فرهنگی به‌طور مستقیم و مثبت بر این متغیر اثر می‌گذارد. در واقع در کرمان، سرمایه‌ی فرهنگی از طریق افزایش سرمایه‌ی اجتماعی منجر به کاهش گرایش به تخریب‌گری می‌شود. درحالی که در جیرفت، سرمایه‌ی فرهنگی به‌طور مستقیم (و هرچند ضعیف) به افزایش تخریب‌گری منجر می‌شود. در دانش‌آموزان کرمانی، استفاده از فناوری‌های نوین هم به‌صورت مستقیم و هم به‌صورت غیرمستقیم به افزایش گرایش به تخریب‌گری منجر می‌شود. اما در جیرفتی‌ها، این متغیر فقط به‌صورت مستقیم منجر به افزایش گرایش به تخریب‌گری می‌شود. تأثیر دل‌بستگی به والدین و هم‌سالان بر تخریب‌گری، در دو گروه، از الگوی نسبتاً مشابهی پیروی می‌کند، با این تفاوت که سرمایه‌ی اجتماعی در دانش‌آموزان کرمانی نقش پررنگ‌تری برای گرایش به تخریب‌گری بازی می‌کند. در بررسی تأثیر جنسیت نیز نتایج بیان‌گر این است که در دانش‌آموزان کرمانی، جنسیت تأثیر مستقیم قوی و غیرمستقیم در افزایش گرایش به تخریب‌گری دارد. درحالی که در دانش‌آموزان، جنسیت، صرفاً تأثیر غیرمستقیم در افزایش گرایش به تخریب‌گری دارد (یعنی پسر بودن با گرایش به تخریب‌گری همراه می‌شود). در جدول ۶ میزان یا سهم واسطه‌گری سرمایه‌ی اجتماعی در رابطه‌ی بین متغیرهای برون‌زاد و وابسته، برای دو گروه کرمانی و جیرفتی ارائه شده است.

جدول ۶- اثر غیرمستقیم و کلی متغیرهای برون‌زاد بر گرایش به تخریب‌گری به تفکیک نوع شهر

متغیر برون‌زاد	اثر غیرمستقیم		اثر کل	
	کرمان	جیرفت	کرمان	جیرفت
	β	β	β	β
سرمایه‌ی فرهنگی	-۰/۰۲۴	۰/۰۱۱	۰/۰۰۴	۰/۰۹۷
استفاده از فناوری	۰/۰۳۸	۰/۰۰۷	۰/۰۱۵	۰/۰۳۸
دل‌بستگی به والدین	-۰/۰۵۲	۰/۰۰۷	-۰/۰۲۱	-۰/۰۲۶
دل‌بستگی به هم‌سالان	-۰/۰۲۲	۰/۰۱۳	-۰/۰۰۵	-۰/۰۳۸
جنسیت	۰/۰۱۷	۰/۰۱۷	۰/۰۱۹	۰/۰۲۷

شاخص‌های مربوط به برازش مدل پژوهش برای دو گروه دانش‌آموزان کرمانی و جیرفتی محاسبه شد که نتایج مبنی بر برزنده بودن این دو مدل در جدول ۷ آورده شده است.

جدول ۷- شاخص‌های برازش مربوط به مدل پژوهش با توجه به بررسی تأثیر نوع شهر

شاخص‌ها	GFI	AGFI	NFI	CFI	RMSEA
مقادیر	۰/۹۹	۰/۹۶	۰/۹۸	۰/۹۹	۰/۰۳

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از انجام این پژوهش، ارائه و آزمون یک مدل علی برای تبیین تخریب‌گری از طریق متغیرهای سرمایه‌ی فرهنگی، فناوری‌های نوین ارتباطی، دل‌بستگی و جنسیت با میانجی‌گری سرمایه‌ی اجتماعی بود. هم‌چنین نقش تعدیل‌گر زیست‌بوم در میزان تغییرپذیری روابط موجود در مدل نیز بررسی شد. نتایج حاصل، بیان‌گر این است که دو متغیر استفاده از فناوری‌های نوین ارتباطی و دل‌بستگی به والدین به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر گرایش به تخریب‌گری اثر می‌گذارد. متغیرهای دیگر نیز صرفاً با واسطه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی، گرایش به تخریب‌گری را پیش‌بینی می‌کنند. هم‌چنین، در این پژوهش، نقش تعدیل‌گر زیست‌بوم شهری در برخی مسیرهای مدل تأیید شد.

عدم تأثیر مستقیم سرمایه‌ی فرهنگی بر گرایش به تخریب‌گری با نتایج تحقیقات پیشین (نظیر کوراکیز، ۲۰۰۴؛ جهانفر، ۱۳۸۱؛ سعادت، عباس‌زاده و حاتمی، ۱۳۹۲؛ مطلق و ندری، ۱۳۹۲ و خاکی‌نهاد، ۱۳۹۰) ناهمسو است. معنادار شدن اثر غیرمستقیم سرمایه‌ی فرهنگی بر گرایش به تخریب‌گری، نتیجه مذکور را تا حدودی تبیین می‌کند. در واقع، سرمایه‌ی فرهنگی با افزایش سرمایه‌ی اجتماعی، گرایش دانش‌آموزان به تخریب‌گری را می‌تواند کاهش دهد. این نتیجه نشان می‌دهد که در خصوص انحرافات اجتماعی به‌ویژه تخریب‌گری، می‌توان از طریق جابه‌جایی سرمایه‌ی فرهنگی با سرمایه‌ی اجتماعی، گرایش به این نوع انحرافات را کاهش داد. هم‌چنین، در این رابطه نقش تعدیل‌گر زیست‌بوم شهری نیز مورد تأیید قرار گرفت. این نتیجه نیز تبیین دیگری برای پی بردن به چرایی عدم تأثیر مستقیم سرمایه‌ی فرهنگی بر گرایش به تخریب‌گری است. طبق نتایج الگوی پیش‌بینی در مشارکت‌کنندگان جیرفتی متفاوت از کرمانی‌ها است. به‌نحوی که در بین مشارکت‌کنندگان جیرفتی - بر خلاف کرمانی - نه تنها جابه‌جایی سرمایه صورت نمی‌گیرد (عدم تأثیر معنادار سرمایه‌ی فرهنگی بر سرمایه‌ی اجتماعی)، بلکه بالعکس، سرمایه‌ی فرهنگی کارکردی معکوس پیدا می‌کند و به‌طور مستقیم، حتی به افزایش گرایش به رفتارهای تخریب‌گرانه و تخریب‌گری منجر می‌شود. نتیجه‌ی مذکور ممکن است منتج از این مسأله باشد که در مناطق برخوردار، سرمایه‌ی فرهنگی قابلیت جابه‌جایی بیش‌تری با سرمایه‌ی اجتماعی دارد، درحالی که در مناطق کم‌تر برخوردار، شرایط و امکانات کم‌تری بر جابه‌جایی سرمایه‌ی فرهنگی با سرمایه‌ی اجتماعی وجود دارد و بنابراین سرمایه‌ی فرهنگی انباشته‌شده به‌دلیل نبود ظرفیت‌های اجتماعی لازم، با محدودیت‌هایی برای صاحبان سرمایه‌ی فرهنگی مواجه می‌شود. بنابراین، محدودیت‌های یادشده می‌توانند احساس ناکامی زیادی را به‌وجود آورند، که این احساس می‌تواند تا حدودی زمینه‌ساز گرایش به رفتارهای تخریب‌گرانه در دانش‌آموزان کرمانی باشد. البته باید توجه داشت که با توجه به

میانگین‌ها، میزان گرایش به تخریب‌گری در دانش‌آموزان کرمانی بیش‌تر از دانش‌آموزان جیرفتی است.

در بررسی اثر استفاده از فناوری‌های نوین بر میزان گرایش به تخریب‌گری، نتایج بیان‌گر اثر مستقیم و غیرمستقیم این متغیر بر گرایش به تخریب‌گری بود. طبق نتایج، استفاده از فناوری‌های نوین مستقیماً منجر به افزایش گرایش به تخریب‌گری می‌شود. این یافته با پژوهش‌هایی (مثلاً تنبام و سینگر، ۱۹۹۷؛ قاسمی، ذوالکثاف و نورعلیوند، ۱۳۸۸) همسو است که تأثیر نامطلوب رسانه‌ها را بر افزایش رفتارهای پرخطرانه نشان داده‌اند. از طرفی این یافته با شواهد موجود مبنی بر تأثیر منفی (براون و دولوین، ۲۰۰۳؛ بهرامی مهنه، ۱۳۸۳) یا عدم تأثیر (نواح و کوپایی، ۱۳۹۱) رسانه‌ها بر رفتارهای تخریبی و گرایش به رفتارهای تخریبی ناهمخوان است. دلایل متعددی می‌توان برای این یافته برشمرد. تزریق افکار پرخطرانه از سوی وسایل ارتباطی جدید و دریافت محض و بدون پردازش و نظارت اجتماعی آن‌ها از سوی دانش‌آموزان ممکن است یکی از دلایل باشد. همچنین، قرار گرفتن در معرض این رسانه‌ها ممکن است نیازهای واقعی و خیالی را برای دانش‌آموزان ایجاد کند، که خانواده و جامعه شرایط یا توان برآورده ساختن آن را نداشته باشد. ضمن این‌که، ناهمخوانی بین این نیازها و هنجارها نیز ممکن است نوعی حالت اعتراض و خصومت را در فرد ایجاد کند که می‌تواند گرایش به تخریب‌گری را تقویت کند. افزون بر این، نتایج نشان داد که استفاده‌ی دانش‌آموزان از فناوری‌های نوین، با کاهش دادن به سرمایه‌ی اجتماعی منجر به افزایش گرایش به تخریب‌گری می‌شود. در این رابطه باید توجه داشت که رسانه‌های اجتماعی با قطع کردن تماس‌های رودررو، فضایی را برای نوجوانان به وجود می‌آورد که می‌تواند اعتماد اجتماعی را از بین ببرد. همچنین، این فناوری‌ها افراد را به خود مشغول کرده و ضرورت فراگیری و استفاده از مهارت‌های اجتماعی در چنین فضایی از بین می‌رود. از دیگر تبعات، می‌تواند عدم مشارکت اجتماعی و مسؤولیت‌پذیری کم‌تر نوجوانان باشد. بنابراین، می‌توان گفت که فناوری‌های نوین از این طریق به نوعی مانع تراکم شدن سرمایه‌ی اجتماعی می‌شود که به نوبه خود، گرایش به رفتارهای خرابکارانه را تسهیل می‌کند.

در بررسی اثر تعدیل‌گر زیست‌بوم، نتایج بیان‌گر مشابهت بین مشارکت‌کنندگان دو شهر کرمان و جیرفت در پیش‌بینی مستقیم تخریب‌گری از طریق استفاده از فناوری‌های نوین بود. با این حال در بررسی مسیرهای غیرمستقیم، نتایج بیان‌گر این بود که در دانش‌آموزان جیرفتی استفاده از فناوری‌های نوین نقش معناداری در میزان سرمایه‌ی اجتماعی ندارد و بدین ترتیب نمی‌تواند به تخریب‌گری بیانجامد. در واقع، حفظ شدن روابط خانوادگی و بافت اجتماعی سنتی شهر جیرفت ممکن است مانع شده باشد که فناوری‌های نوین سرمایه‌ی اجتماعی موجود را کاهش دهند.

در بررسی عامل خانوادگی دل‌بستگی به والدین، نتایج بیان‌گر این بود که این متغیر، هم به صورت مستقیم و هم از طریق افزایش سرمایه‌ی اجتماعی منجر به کاهش گرایش به تخریب‌گری در دانش‌آموزان می‌شود. اثر مستقیم و منفی دل‌بستگی به والدین بر گرایش به تخریب‌گری، همسو با نتایج انجام شده پیرامون دل‌بستگی به والدین و بزهکاری است (رجوع شود به فراتحلیل‌های ون‌ایجنزندرون و همکاران، ۱۹۹۹؛ فیرون و همکاران، ۲۰۱۰؛ هوو و همکاران، ۲۰۱۲). هم‌چنین این یافته با یافته‌هایی همسو است که نشان داده‌اند که محبت و صمیمیت (ویلیام، لیری و کلینتون، ۱۹۹۲؛ یاری و حسینی، ۱۳۹۳) یا تعلق و دل‌بستگی به خانواده (محسنی‌تبریزی، ۱۳۷۹؛ سهامی و احمدی، ۱۳۷۹؛ فتاحی، ۱۳۸۸؛ افشانی و جواهریان، ۱۳۹۳) انسجام اجتماعی را افزایش می‌دهد. این یافته اهمیت توجه به نهاد خانواده را در جهت کاهش گرایش به تخریب‌گری نشان می‌دهد. هم‌چنین نشان داده شد که دل‌بستگی به والدین منجر به افزایش سرمایه‌ی اجتماعی و به نوبه خود کاهش گرایش به تخریب‌گری می‌شود. نقش سازنده‌ی دل‌بستگی به والدین در افزایش سرمایه‌ی اجتماعی همسو با یافته‌های لی (۲۰۱۳) و لین (۲۰۱۵) می‌باشد. در واقع دل‌بستگی به والدین و ایجاد پیوند ایمن با والدین زمینه‌ساز برقراری پیوندهای جدید و مورد نیاز جهت انباشت سرمایه‌ی اجتماعی می‌شود. در واقع این پیوندهای ایمن منجر به افزایش مشارکت، بهبود مهارت‌های اجتماعی و ایجاد اعتماد بین افراد می‌شود. در بررسی اثر تعدیل‌گر بافت اجتماعی، نتایج بیان‌گر این بود که الگوی تأثیر دل‌بستگی به والدین بر گرایش به تخریب‌گری بین دو شهر کرمان و جیرفت تفاوت بارزی نداشت. در تبیین این یافته باید توجه داشت که علی‌رغم تأثیرپذیری ارتباطات خانوادگی از جامعه، این یافته نشان می‌دهد که پدیده‌های روان‌شناختی (مثل دل‌بستگی عاطفی به والدین) تا حدود زیادی مستقل از عوامل جامعه‌شناختی و فرهنگی عمل می‌کنند و مکانیزم جهان‌شمول‌تری دارند.

در خصوص رابطه‌ی دل‌بستگی با هم‌سالان با گرایش به تخریب‌گری، تنها اثر غیرمستقیم این متغیر مورد تأیید قرار گرفت. در واقع دل‌بستگی به هم‌سالان با افزایش سرمایه‌ی اجتماعی منجر به کاهش تخریب‌گری می‌شود. نتایج پژوهش‌های لی (۲۰۱۳) و لین (۲۰۱۵) به نوعی از این یافته حمایت می‌کنند و همسو با پژوهش‌هایی (مثل برای نمونه نیک‌اختر، ۱۳۷۸؛ عادل‌راد، ۱۳۸۷؛ نبوی و همکاران، ۱۳۹۰) است که نقش معاشرت و دل‌بستگی به دوستان و هم‌سالان در بروز رفتارهای تخریب‌گرانه را آشکار ساخته‌اند. در واقع، در سایه‌ی روابط دوستانه سالم و نه روابط هنجاری و اجباری، توانمندی‌هایی مثل مسؤولیت‌پذیری، مشارکت، مهارت‌های اجتماعی و اعتماد در دانش‌آموزان ایجاد می‌شود که می‌تواند تخریب‌گری را کاهش دهند. افزون بر این، در مورد رابطه‌ی دل‌بستگی به هم‌سالان و گرایش به تخریب‌گری، تفاوتی بین دانش‌آموزان دو شهر مشاهده نشد که برای این یافته نیز می‌توان تأثیر نسبتاً با دوام‌تر عوامل روان‌شناختی را ملاحظه کرد.

در نهایت، در خصوص متغیر جنسیت، نتایج نشان داد که این متغیر تأثیر مستقیمی بر گرایش به تخریب‌گری ندارد، اما با کاهش سرمایه‌ی اجتماعی می‌تواند منجر به گرایش به تخریب‌گری شود. می‌توان نتیجه گرفت که پسران سرمایه‌ی اجتماعی کم‌تری در مقایسه با دختران انباشت می‌کنند و بنابراین گرایش بیش‌تری به رفتارهای خرابکارانه دارند. این نتیجه همسو با پیشینه‌ی موجود (سفیری و صدفی، ۱۳۹۱) است. علاوه بر این، تأثیر تعدیل‌گر زیست‌بوم در این یافته قابل توجه است. بدین نحو که در دانش‌آموزان جیرفتی، نتیجه‌ی به‌دست آمده مطابق با نتیجه به‌دست آمده برای کل مشارکت‌کنندگان است، اما در دانش‌آموزان کرمانی، جنسیت هم به‌صورت مستقیم و هم غیرمستقیم منجر به افزایش گرایش به تخریب‌گری می‌شود. تأثیر مستقیم جنسیت (پسر بودن) بر گرایش به تخریب‌گری در شهر کرمان مطابق با بیش‌تر تحقیقات موجود است (برای نمونه محسنی تبریزی، ۱۳۷۹؛ سهامی و احمدی، ۱۳۷۹؛ محمدی بلبان‌آباد، ۱۳۸۴، نبوی، ملتفت و براتیان، ۱۳۹۰؛ نواح و کوپایی، ۱۳۹۱؛ حیدری و پارسامهر، ۱۳۹۱). در تبیین نتایج اخیر می‌توان به این نکته اشاره کرد که تحقیقات ذکر شده عمدتاً در شهرهای بزرگ صورت گرفته است و بنابراین نتیجه حاصل، با توجه به بافت شهری کرمان به‌عنوان مرکز استان و منطقه‌ای برخوردارتر قابل تبیین است. کما این‌که در تحقیق میرفردی و همکاران (۱۳۹۱) که در شهر یاسوج - که بافت سنتی آن به شدت حفظ شده است - جنسیت رابطه‌ی معناداری با گرایش به تخریب‌گری نداشت.

در مجموع، مدل پژوهش حاضر تبیین مناسبی ارائه داد که با کمک متغیرهای جامعه‌شناختی، روان‌شناختی و بافتی می‌توان تبیین مناسبی از گرایش به تخریب‌گری ارائه کرد. با این حال در نتیجه‌گیری از یافته‌ها باید جانب احتیاط را نگه داشت چراکه تبیین به‌عمل آمده کامل نیست (در حدود ۳۲ درصد) و تنها بخشی از تخریب‌گری دانش‌آموزان را از این طریق می‌توان تبیین کرد. نتایج به‌دست آمده در مورد اثرات زیست‌بوم در مورد شهرهای سنتی‌تر (مثل جیرفت) امیدوارکننده است؛ که هنوز بیش‌تر تحت تأثیر عوامل خانوادگی و درونی است تا فناوری‌های نوین. بنابراین برنامه‌ریزی و اقدام فوری در این زمینه می‌تواند مانع افزایش آسیب‌های اجتماعی و رفتارهای نابهنجاری چون تخریب‌گری شود. معنادار شدن نقش جنسیت نیز، به این موضوع کمک می‌کند که مسؤولین مربوط - اعم از مدرسه و بیرون مدرسه - تمهیدات خود را می‌توانند بیش‌تر در محیط‌های پسرانه متمرکز سازند.

منابع

الف. فارسی

- افشانی، سید علیرضا، جواهرچیان، ندا. (۱۳۹۳). بررسی رابطه پیوند اجتماعی و میزان وندالیسم در بین دانش‌آموزان پسر دوره اول و دوم متوسطه شهر یزد. *فصلنامه‌ی دانش انتظامی یزد*، سال اول، شماره دوم، ص ۱۱-۳۲.
- بوردیو، پی. یر. (۱۳۸۹). *شکل‌های سرمایه؛ سرمایه‌ی اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه*. ترجمه: افشین خاکباز، تهران: انتشارات شیرازه.
- بهرامی مهنه، فاطمه. (۱۳۸۳). *بررسی عوامل مؤثر بر وندالیسم نوجوانان و جوانان ۱۵-۲۴ سال در حاشیه شهر مشهد: موردکاوی کیوسک‌های تلفن*. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی دانشگاه الزهراء.
- جوانمرد، کمال و ساسان، ساره. (۱۳۸۹). *بررسی جامعه‌شناختی نقش سرمایه‌ی فرهنگی در بازتولید طبقه اجتماعی در بین مردان ۵۰-۴۰ ساله شهر بندر عباس در سال ۱۳۸۸*. *فصلنامه‌ی تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد شوشتر*، سال چهارم، شماره یازدهم، ۲۱۸-۱۹۹.
- جهانفر، محمد. (۱۳۸۱). *خشونت در فوتبال قابل پیش‌گیری است*. *فصلنامه‌ی علوم اجتماعی*، شماره ۱۹، ص ۳۹-۴۵.
- چلبی، مسعود و مبارکی، محمد. (۱۳۸۴). *تحلیل رابطه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی و جرم در سطوح خرد و کلان*. *فصلنامه‌ی جامعه‌شناسی ایران*، شماره ۱۰، ۴۴-۳.
- حیدری، اسلام و پارسامهر، مهربان. (۱۳۹۱). *بررسی عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر وندالیسم (مورد مطالعه: دانش‌آموزان دبیرستانی شهر اهواز)*. *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال ۲۳ (پیاپی ۴۷)، شماره ۳، ۲۰۷-۲۲۹.
- خاکی‌نهاد، حسین. (۱۳۹۰). *بررسی جامعه‌شناختی رابطه سرمایه‌ی اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی با تخریب اموال عمومی توسط دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی منطقه ۲ اراک*. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک.
- خواجه‌نوری، بیژن، پرنیان، لیلا و همت، صغری. (۱۳۹۳). *مطالعه‌ی رابطه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی، سرمایه‌ی فرهنگی و هویت اجتماعی مطالعه‌ی موردی: جوانان شهر بندرعباس*. *فصلنامه‌ی مطالعات ملی*، ۵۷، سال پانزدهم، شماره‌ی ۱.
- رفیعی دارانی، هادی، پارساپور، سارا، دانایی سیج، مجید و زارعی، افسانه. (۱۳۹۳). *بررسی آثار اقتصادی وندالیسم بر هزینه‌های شهرداری و ارتباط آن با سرمایه‌ی اجتماعی: مطالعه مورد شهر مشهد*. *مدیریت شهری*، شماره ۳۶، ص ۳۶۸-۳۵۱.

رمضانی، ناصر. (۱۳۷۵). *وندالیسم، عوامل موثر بر پیدایش رفتارهای وندالیستی در میان پسران ۸ تا ۱۶ سال ساکن مناطق حاشیه خطوط راه آهن در جنوب شهر تهران*. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز.

روحانی، حسن. (۱۳۹۰). سرمایه خانواده، سنگ بنای سرمایه اجتماعی. *مجله راهبرد*، شماره ۵۹، سال بیستم، ۶۶-۷.

روشن پور، مجتبی. (۱۳۸۸). *وندالیسم در بین جوانان*. اداره کل زندان‌های استان لرستان. سعادت‌ی، موسی، عباس‌زاده، محمد و حاتمی، رقیه. (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین سرمایه فرهنگی، سرمایه اجتماعی و پرخاشگری (مورد مطالعه: هواداران تیم فوتبال تراکتورسازی شهر تبریز). *فصلنامه‌ی دانش انتظامی آذربایجان شرقی*، سال سوم، شماره اول (پیاپی ۸)، ۲۵-۱.

سفیری، خدیجه، آراسته، راضیه و موسوی، مرضیه. (۱۳۸۹). تبیین رابطه میزان سرمایه فرهنگی زنان شاغل با نوع روابط همسران در خانواده. *زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)*، دوه ۸، شماره ۱، ص ۲۹-۷.

سفیری، خدیجه و صدفی، ذبیح‌اله. (۱۳۹۱). فراتحلیل مطالعات و تحقیقات جنسیت و سرمایه اجتماعی. *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیست و سوم، شماره پیاپی (۴۷)، شماره سوم، ص ۳۷-۷۴.

سلیمی، عظیمه و جوکار، بهرام. (۱۳۹۱). رابطه علی ادراک دل‌بستگی و آسیب‌پذیری شخصیت با احساس تنهایی در دوره نوجوانی. *مجله‌ی دستاوردهای روان‌شناختی (علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز)*، دوره چهارم، سال نوزدهم، شماره ۱، ص ۲۶۴-۲۴۵.

سهامی، سوسن و احمدی، حبیب. (۱۳۷۹). بزهکاری و خرابکاری. *فصلنامه‌ی تازه‌های روان‌درمانی*، سال پنجم شماره ۱۷ و ۱۸.

شارع‌پور، محمود و خوش‌فر، غلامرضا. (۱۳۸۱). رابطه سرمایه فرهنگی با هویت اجتماعی جوانان (مطالعه موردی شهر تهران). *فصلنامه‌ی علوم اجتماعی*، شماره ۲۰، ص ۱۴۷-۱۳۳.

شربتیان، محمدحسن و پرورش، ریحانه. (۱۳۹۲). بررسی علل و عوامل مؤثر بر تخریب شهری در بین جوانان ۱۸ تا ۳۰ ساله شهرستان قاین.

شریفیان ثانی، مریم و ملکی سعید آبادی، امیر. (۱۳۸۵). سرمایه اجتماعی به مثابه‌ی یک سیستم پیچیده. *فصلنامه‌ی رفاه اجتماعی*، ۲۳، ۴۵-۶۵.

شکرپیگی، عالیه و محمدی راد، فاطمه. (۱۳۸۵). *بررسی علل و عوامل نظری وندالیسم در میان جوانان در تهران بزرگ*. سایت جامعه‌شناسی ایران.

- عادل‌راد، عبدالله. (۱۳۸۷). *بررسی تطبیقی عوامل اجتماعی مرتبط با وندالیسم در بین دانش‌آموزان پسر شهرهای شیراز و بوشهر*. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز.
- عفتی، م. (۱۳۸۱). *بررسی انگیزه‌های مؤثر بر وندالیسم با تکیه بر سنگ پرانی به قطارهای مسافری*. مجله‌ی پژوهش، شماره ۳، ۳۶-۳.
- فتاحی، مهدی. (۱۳۸۸). *سنجش میزان گرایش دانش‌آموزان به رفتارهای وندالیستی و برخی عوامل فردی و اجتماعی مؤثر بر آن در بین دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهر ارومیه*. فصلنامه‌ی علمی-پژوهشی علوم اجتماعی، سال پنجم، شماره بیست و دوم.
- فخرایی، سیروس و کریمیان، انور. (۱۳۸۸). *بررسی رابطه سرمایه‌ی فرهنگی با هویت‌پذیری (مطالعه موردی در بین دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی پسرانه شهرستان بوکان در سال تحصیلی ۱۳۸۹-۹۰)*. جامعه‌شناسی، سال اول شماره سوم، تابستان. ۸۵۲- ص ص ۸۸۱.
- فوکویاما، فرانسیس. (۱۳۸۵). *پایان نظم: بررسی سرمایه‌ی اجتماعی و حفظ آن*. ترجمه: غلامعباس توسلی، تهران: حکایت قلم نوین.
- قادری، طاهره و رضایی، سپیده. (۱۳۹۱). *رابطه سرمایه‌ی فرهنگی و گرایش جوانان به مد (تفاوت بین دختران و پسران)*. فصلنامه‌ی علوم اجتماعی، شماره ۶۶، ۳۵-۱.
- قاسمی، وحید، ذوالاکتاف، وحید و نورعلیوند، علی. (۱۳۸۸). *توصیف جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر وندالیسم و اوباشگری در ورزش فوتبال*. فصلنامه‌ی المپیک، ۱۷ (۱)، ۶۹-۷۹.
- قائم‌فر، حسین. (۱۳۸۶). *بررسی عوامل مؤثر بر وندالیسم بر جامعه شهری جهرم*. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه شهید چمران اهواز.
- کونانی، سلمان، منصورآبادی، عباس و احمدی، حبیب. (۱۳۹۱). *واکاوی پارادایمی تأثیر عوامل خانوادگی و اجتماعی در بزهکاری دانش‌آموزان (مطالعه موردی در استان فارس)*. مجله‌ی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهرکرد، سال هفتم، شماره ۲۷، ۱۴۸-۱۱۳.
- گلچین، مسعود و حیدری، علی‌حیدر. (۱۳۹۱). *خشونت بین فردی و سرمایه‌ی اجتماعی در خانواده و مدرسه: مطالعه‌ی اجتماعی در دبیرستان‌های پسرانه نورآباد لرستان*. مسائل اجتماعی ایران، سال سوم، شماره ۱، ۱۷۷-۲۱۲.
- محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۸۳). *وندالیسم مبانی روان‌شناسی، جامعه‌شناختی و روان‌شناسی رفتار وندالیستی در مباحث آسیب‌شناسی و کثرت‌فردی اجتماعی*. تهران: نشر آن.
- محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۷۹). *مبانی نظری و تجربی وندالیسم: مروری بر یافته‌های یک تحقیق*. فصلنامه‌ی علوم اجتماعی، ۱۶، ۱۹۳-۲۲۷.

- محمدی بلبان‌آباد، اسعد. (۱۳۸۴). *سنجش میزان وندالیسم و بررسی عوامل فردی و اجتماعی مرتبط با آن در بین دانش‌آموزان ناحیه‌ی یک مقطع متوسطه‌ی شهر سمنان در سال تحصیلی ۸۴-۸۳*. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه تبریز.
- مداح، مجید و شریفی، نوید. (۱۳۸۹). *تحلیل رابطه سرمایه‌ی اجتماعی و جرم. فصلنامه‌ی نظم و امنیت انتظامی، شماره سوم، سال سوم، ۱۵۵-۱۳۳*.
- مطلق، معصومه و ندری، ساجده. (۱۳۹۲). *بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش دانش‌آموزان پسر به وندالیسم در محیط مدارس (مطالعه موردی دبیرستان‌های شهرستان خرم‌آباد)*. *فصلنامه‌ی مطالعات جامعه‌شناختی جوانان، سال ۴، شماره ۱۰، صص ۱۱۷-۱۳۶*.
- میرفردی، اصغر، احمدی، سیروس و نیکخواه، زهرا. (۱۳۹۱). *بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر وندالیسم (خرابکاری) در بین دانش‌آموزان دبیرستانی شهر یاسوج. جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۳ (۳)، ۱۸۵-۲۰۶*.
- نبوی، سید عبدالحسین، ملتفت، حسین و براتیان، علی رحیم. (۱۳۹۰). *بررسی عوامل مؤثر در بروز رفتارهای وندالیستی در میان دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهرستان ایذه. جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و دوم، شماره پیاپی (۴۳)، شماره سوم، ۱۰۰-۸۳*.
- نواح، عبدالرضا و کوپایی، محمدباقر. (۱۳۹۱). *عوامل اجتماعی و شخصیتی مؤثر بر گرایش به وندالیسم (خرابکاری) در بین دانش‌آموزان دبیرستانی شهر اهواز. مجله‌ی مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال چهارم، شماره دوم، ۱۴۳-۱۳۱*.
- نیازی، محسن و کارکنان، محمد. (۱۳۸۶). *تبیین جامعه‌شناختی رابطه سرمایه‌ی فرهنگی خانواده با هویت اجتماعی جوانان. فصلنامه‌ی مطالعات ملی، ۳۱، سال هشتم، شماره ۳*.
- نیک‌اختر، علی. (۱۳۷۸). *بررسی عوامل اجتماعی اقتصادی مؤثر بر خرابکاری به عنوان نوعی رفتار بزهکارانه در بین دانش‌آموزان دبیرستان‌های شیراز*. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز.
- ویسانیان، مهدی. (۱۳۹۱). *مفهوم وندالیسم در جامعه‌شناسی. نشریه‌ی روان‌شناسی، سال ششم، شماره بیست و دوم*.
- یارمحمد توسکی، مریم و کاروان، اسماعیل. (۱۳۹۱). *بررسی جامعه‌شناختی پدیده وندالیسم (مورد مطالعه: جوانان شهر ایلام- ۱۳۹۰)*. *علوم اجتماعی: فرهنگ ایلام، پاییز و زمستان، شماره ۳۶ و ۳۷، ص ۸۸ تا ۱۱۳*.

یاری، طلعت‌اله و حسینی، نامدار. (۱۳۹۳). ارتباط عملکرد خانواده با رفتارهای وندالیستی (خرابکارانه) دانش‌آموزان در شهر جوانرود استان کرمانشاه. *فصلنامه‌ی مطالعات توسعه اجتماعی- فرهنگی*، دوره سوم، شماره ۱، ۶۷-۵۳.

ب. انگلیسی

- Adler, P. S. & Kwon, S. W. (2002). *Social capital: Prospects for anew concept*. *Academy of Management Review*, 27 (1), 17-40.
- Armsden, G. & Greenberg, M. (1987). *The inventory of parent and peer attachment: Individual differences and their relationship to psychological well-being in adolescence*. *Journal of Youth and Adolescence*, 16(5), 427-454.
- Armsden, G., McCauley, E., Greenberg, M., Burke, P. & Mitchell, J. (1990). *Parent and peer attachment in early adolescent depression*. *Journal of Abnormal Child Psychology*, 18(6), 683-697.
- Booth, J. A., Farrell, A. & Varano, S. P. (2008). "Social control, serious delinquency and risky behavior: A gendered analysis". *Crime and Delinquency*, 54: 423-456.
- Bretherton, I., Ridgeway, D. & Cassidy, J. (1990). *Assessing internal working models of attachment relationships: An attachment story completion task for 3-year-olds*. In M.T.Greeberg, K.Cicchetti, & E.M. Cummings (Eds.), *Attachment in the preschool years: Theory, research, and intervention* (pp. 273-308). Chicago: University of Chicago Press.
- Brown, G. & Devlin, A. S. (2003). *Vandalism: Environmental and Social Factors*, *Journal of College Student Development*, Vol. 44, No. 4, pp. 500-508.
- Coleman, J. S. (1988). *Social capital in the creation of human capital*. *American Journal of Sociology*, 94, 95-120.
- Courakis, N. (2004). *Fotball Violence: Not only a British Problem*, *European Journal on Criminal Policy and Research*. Pp 293-302.
- Ellison, N. B., Steinfield, C. & Lampe, C. (2007). *The benefits of Facebook "friends": social capital and college students' use of online social network sites*. *Journal of Computer-Mediated Communication*; 12:1143-1168.
- Ervasti, J. et al. (2012). *Association of pupil vandalis, bullying and truancy with teachers' absenece due to illness: A mulyilenel analysis*. *Journal of School Psychology*, 50, 347-361.
- Fearon, R. P., Bakermans-Kranenburg, M. J., IJzendoorn, a M. H. v, Lapsley, A. M. & Roisman, G. I. (2010). *The significance of insecure attachment and disorganization in the development of children's externalizing behavior: a meta-analytic study*. *Child Development*, 81(2), 435-456.
- Gatti, U. & Tremblay, R. E. (2007). *Social capital and aggressive behavior*. *European Journal on Criminal Policy and Research*, 13(3), 235-249.
- Gladstone, F. J. (1998). *Vandalism amongst Adolescent School Boys*. In *Tackling Vandalism*, Edited by R.V.G.Clark, Horur, Vol.2, London, pp19-57.
- Hagan, J. & McCarthy, B. (1997). *Mean streets*. Cambridge University Press.
- Helliwell, (2001). *Social Capital, The Economy and Well-Being*. In *The Review of Economic Performance and Social Progress*. <http://www.csls.ca/repsp/V03-helliwell.pdf>, accessed date: 8.12.2007.
- Hoeve, M., Stams, G. J. J. M., Put, C. E., Dubas, J. S., Laan, P. H. & Gerris, J. R. M. (2012). *A meta-analysis of attachment to parents and delinquency*. *Journal of Abnormal Child Psychology*, 40, 771-785.
- Kavachi, I., Kennedy, B., Lochner, K. & Prothro-stith, D. (1997). *Social Capital, Income Inequality and Morality*. *American Journal of Public Health*. 87 (9), 1491-1498.

- Keefe, L. A., Landau, M. J., Rothschild, Z. K. & Sullivan, D. (2012). Attachment to objects as compensation for close others' perceived unreliability. *Journal of Experimental Social Psychology*. <http://dx.doi.org/10.1016/j.jesp.2012.02.007>.
- Kilpatrick, s., Johns, s. & Mulford, m. (2010). *Social Capital, Educational Institutions and Leadership*. *International Encyclopedia of Education (Third Edition)*, 113-119.
- Laible, D. (2007). Attachments with parents and peers in late adolescence: links with emotional competence and social behaviour. *Personality and Individual Differences*, 43, 1185-1197.
- Lee, D. Y. (2013). Lee DY. The role of attachment style in building social capital from a social networking site: the interplay of anxiety and avoidance. *Computers in Human Behavior*. 29, 1499–1509.
- Li, Y. A., Plicks, A. & Savage, M. (2003) "Conceptualizing and Measuring Social Capital: A New Approach", Centre for Census and Survey Research (CCSR), Department of Sociology Manchester University, Paper for BHPS.
- Lin, Jih-Hsuan. (2015). *The Role of Attachment Style in Facebook Use and Social Capital: Evidence from University Students and a National Sample*. *Cyberpsychology, Behavior, and Social Networking*, Volume 18, Number 3,
- Lownstein, L. F. (1986). Vandalism in Schools. *Journal of Health at Schools*, V.2, N.3, PP. 12-73.
- Marte, R. M. (2008). *Adolescent Problem Behaviors*, New York: LFB Scholarly Publishing LLC.
- McCarthy, B., Hagan, J. & Martin, M. J. (2002). In and out of harm's way: Violent victimization and the social capital of fictive street families. *Criminology*, 40(4), 831-866.
- Mikulincer, M. & Shaver, P. R. (2007). *Attachment in adulthood: Structure, dynamics, and change*. New York: Guilford Press.
- Paxton, P. (1999). Is social capital declining in the United States? A multiple indicator assessment. *American Journal of Sociology*, 105 (1), 88–127.
- Ruiter C, Van Ijzendoorn MH. (1992). Agoraphobia and anxious-ambivalent attachment: an integrative review. *Journal of Anxiety Disorders*; 6:365–381.
- Salmi, V. & Kivivuori, J. (2006). The Association between Social Capital and Juvenile Crime. *European Society of Criminology*, Vol. 3, No.2, pp. 123-148.
- Sommer, R. (1991). Crime and vandalism, *Journal of Environmental psychology*, Vol. 7, No.1, pp. 1- 72.
- Sowers, K. M., Thyer, BA. & Dulmus, CN. (2008). *Comprehensive Handbook of Social Work and Social Welfare: Human Behaviour in the Social Environment*, USA: John Wiley and Sons.
- Spaij, R. (2006). *Aspects of Hooligaism Violence*, Amsterdam School for Social Science Research, pp 1-32.
- Tenenbaum, G., Stewart, E. & Singer, R. (1997). Aggression and violence in sport: An ISSP Position Stand. *ISSP Newsletter*, 1, 14-20.
- U.S. Department of Justice. (2014). *Wipe Out Vandalism and Graffiti*, Washington, DC: Office of Juvenile Justice and Delinquency Prevention.
- Van IJzendoorn, M. H., Schuengel, C. & Bakermans-Kranenburg, M. J. (1999). Disorganized attachment in early childhood: metaanalysis of precursors, concomitants, and sequelae. *Development and Psychopathology*, 11, 225–249.
- Vieno, A., Nation, M., Perkins, D. D., Pastore, M. & Santinello, M. (2010). Social Capital, Safety Concerns, Parenting, and Early Adolescents' Antisocial Behavior. *Journal of Community Psychology*, Vol. 38, No. 3, 314–328.
- Wilkinson, R. B. (2004). The role of parental and peer attachment in the psychological health and self-esteem of adolescents. *Journal of Youth and Adolescence*, 33(6), 479–493.

- William, J., Leary, B. & Clinton, S. (1992). *Family ties, parental discipline and delinquency. Journal of sociological spectrum, No 12. PP. 381-408.*
- Wright, Darlene R. & Fitzpatrick, K. M. (2006). *Social Capital and Adolescent Violent Behavior. Social Forces, 84, 1435-1453.*
- Wright, J., Cullen, P., Francis, T. & Miller, J. (2001). *Family Social Capital and Delinquent Involvement, Journal of Criminal Justice, 29:1-9.*
- Yang, S. C. & Farn, C. K. (2009). *Social capital, behavioural control, and tacit knowledge sharing – A multi-informant design. International Journal of Information Management, 29 (3), 210–218.*



Extended Abstract

***Vandalistic Behaviors among High School Students:
An inter-disciplinary Study Focusing on Social and
Psychological Factors***

*Enayatollah Reisi*¹
*Mohammad Taghi Iman*³

*Bijan Khajenouri*²
*Masoud Hosseinchari*⁴

Shiraz University

Introduction

Social pathology scholars define vandalistic behavior as behaviors turned towards destruction of the public assets, installations and properties (Mohseni Tabrizi, 2003; U.S. Department of Justice, 2014). Destructiveness by adolescents has been led into serious social problems. This issue catches scholars' attention of different disciplines, such as sociologists, psychologists and criminologists. Some sociologists believe that destruction of properties is a precursor of delinquent behaviors. Regarding these consequences, understanding the vandalism is vital for prevention and intervention (Mohseni Tabrizi, 2003). Vandalism is not limited to the school setting and is happening frequently and can disrupt the social order. Vandalism has a huge burden on the society's economy and cohesion (Motlagh and Ndari, 2013). However, it is a widespread phenomenon among adolescents (Koonani, Mansoor Abadi and Ahmadi, 2010), according to the literature, there are a variety of explanations for the causes of vandalism. A deep look at the existing theories on vandalism, can lead us to conclude that these theories, in order to explain social deviancies, and in particular vandalism, have common themes in their focus, with relatively different interpretations. Some of these common themes include the effect of social relationships, socialization, and existence of cohesion and unity with society, social trust, and quality of interactions in social networks, social accountability, and respect for social norms. These common points reveal the necessity for using a comprehensive and inter-disciplinary approach for studying vandalism. Thus, it is vital to investigate vandalism through an exploratory and applicable model. Therefore, the aim of the present research was to suggest a cross-disciplinary explanation for high school students' vandalistic behaviors by focusing on social and psychological factors. Accordingly, in this research the relationships between social capital, cultural capital, new communication technologies, attachment, and gender with vandalism in Kerman and Jiroft were investigated.

1 - (Corresponding author) Ph.D candidate of sociology, Shiraz University, Iran. Email: aeisi2020@yahoo.com

2 - Associate professor of sociology, Shiraz University, Iran. Email: bkhajeh@gmail.com

3 - Professor of Sociology, Shiraz University, Iran. Email: iman@shirazu.ac.ir

4 - Associate professor of educational psychology. Email: hchari@shirazu.ac.ir

Hypotheses

1. *There is a relationship between gender and vandalism.*
2. *There is a relationship between attachment to parents and vandalism.*
3. *There is a relationship between attachment to peers and vandalism.*
4. *There is a relationship between cultural capital and vandalism.*
5. *There is a relationship between using new communication technologies and vandalism.*
6. *Social capital mediates the relationship between gender, attachment, cultural capital, new communication technologies use and vandalism.*
7. *Urban versus rural backgrounds (Kerman vs. Jiroft) can moderate the mediated relationships among gender, attachment, cultural capital, the use of communication technologies and vandalism.*

Method

The relationship between variables was examined using the correlation research design and path analysis. Statistical population involves all students of Kerman and Jiroft high-schools. Using cluster sampling, 806 participants were selected from Kerman (404) and Jiroft (402) high schools. The measures were Vandalism, Cultural Capital, Social Capital and New Communication Technologies Use questionnaires. In addition, Armsden and Greenberg's (1987) Inventory of Parent and Peer Attachment (IPPA) were used. The proposed Model was tested using structural equation modeling in AMOS software.

Results

Results showed that the use of new communication technologies and attachment to parents had direct effects on vandalism. The use of new communication technologies positively and attachment to parents negatively can predict students' vandalistic behaviors. Also, the effects of all exogenous variables (cultural capital, new communicational technologies, parent attachment, peer attachment and gender) on students' vandalistic behaviors were mediated by the social capital. Other results showed that the moderating effect of urban milieu was significant and there was also a difference between Kerman's and Jiroft's participants and consequently models.

Discussion and Conclusions

As noted above, the aim of present research was testing a causal model of explaining vandalism based on cultural capital, modern communicative technologies, attachment, and gender. Meanwhile, the moderator role of context has been investigated. The model revealed that social, psychological and contextual factors can approximately explain the students' vandalistic behaviors. The model could explain 32 percent of the variance in vandalistic behaviors. Thus, it should be noted in generalizing and applying the results. Comparing Kerman and Jiroft as different social contexts imply notions of indigenized factors affecting vandalistic behaviors. It seems that a more traditional culture of Jiroft affected the participants in such a way that Jiroft participants were more influenced by family and internal factors than new communication technologies. Consequently, early interventions and preventive programs can reduce social pathologies and abnormal behaviors such as vandalism. In general, this research can suggest parents living in cities improve their relationships with their children through self-training or seeking help from professionals. Based on these results, it can be suggested that the cultural capital can be the source to

prevent vandalistic behaviors. Hence, improving and investing on this capital will have significant effects on protecting the society. Significant role of gender in vandalism have implications to pay more attention to male adolescents' behaviors in and out of school environment. Regarding inevitable effects of new communication technologies and the role of social capital in controlling and regulating of these effects, the study recommends teachers, principals and other administrators of the educational system to try to empower the student's social capital.

Key words: *Vandalistic behaviors, Cultural capital, Social capital, Parental attachment, New communication technologies*

